

# زنان در مبارزه

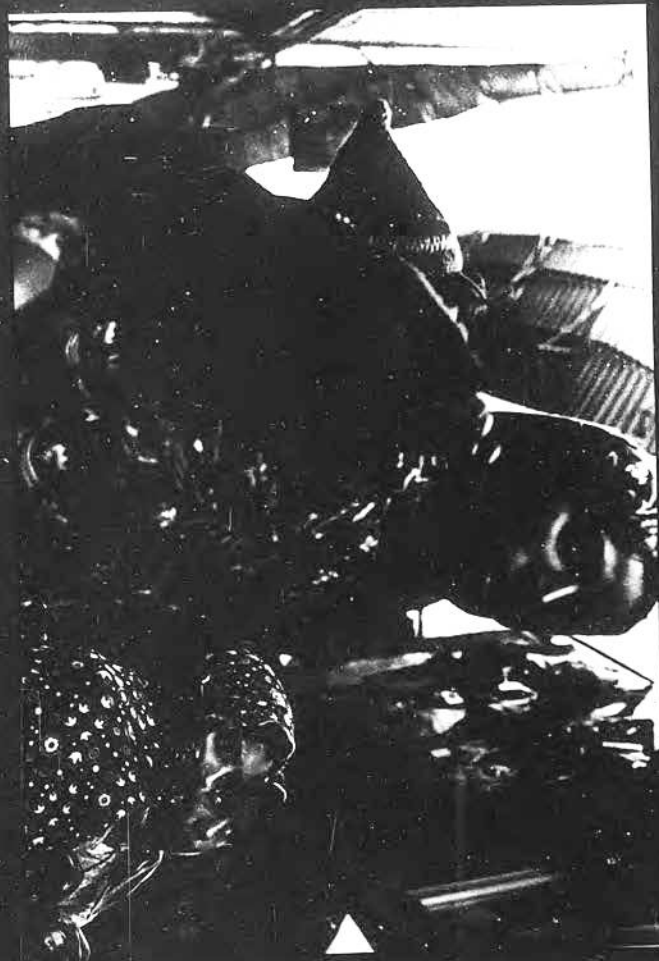
ماهنامه اتحاد ملی زنان

۵

سال اول

شماره ۳۰ زمستان

فروردین ماه ۱۳۵۹



# مرگ بر آمریکا

یکی از حوادث مهم اسفند ماه ۵۸، حادثه نبرد مجدد مسئله کروگانیا بود. اشغال سفارت آمریکا، و کروگان گرفتن جاسوسان آمریکایی از همان اول مورد قبول و پذیرش سازشکاران نبوده، شورای انقلاب هم علیرغم تائید طاهری درنظام مدت نلای می‌گردد مسئله را بخوبی و خوشی به‌بایان برساند و بهر نحوی که شده کروگانیا را به آمریکا پس بدهد. آخرین شکر مسئله کبسون تحفیق و ملاقات آنها با کروگانیا و در ادامه آن آزاد کردنشان بود. که مورد اعتراض بخشهای وسیعی از مردم ایران قرار گرفت. ما نیز همیای خلق فیرومان ایران هر نوح حرکت سازشکارانه در جهت ممانعت با آمریکای جنایتکار را محکوم می‌کنیم.

## مرگ بر سازشکار

اتحاد ملی زبان چگونه سازمانی است.

"اتحاد ملی زبان" سازمانی است مستقل، دموکراتیک و ضد امپریالیست که به هیچ حزب، گروه و دسته‌ای وابسته نیست و بخاطر حقیقت دموکراتیک آن دارای ایدئولوژی خاص نمی‌باشد و افراد می‌توانند با حفظ اعتقادات خود و قبول منشور در این سازمان فعالیت نمایند. بدینوسیله است که هیچ یک از اعضا حق تحمیل اصول خاص اعتقادات خود را به سازمان ندارند و فعالیت آنان باید منحصرآ "در چهار چوب منشور انجام پذیرد." این سازمان از تاریخ ۱۳۵۸/۱/۸ فعالیت خود را آغاز نمود.

## نوروز خجسته باد

نوروز سرمزار شهیدان

تنها

تقسیم ماه و سال، ورق میخورد

ا سال

تا ریخ هم ورق خورد.

با رنگ اذان نظریلند است

نزدیک من،

با نوب سوگوار جوان سبا هیوش به تمویروری گور

همی خیره مانده است

و کودکش کنار ره تمویر ایستا دهبه ما درنگا می‌کند

آرام.

دسته، دسته

بیدار می شوند ز دور.

چشم "بهشت زهرا"

بهشت زهرا

سال تحویل ۱۳۵۸

این روز را ندیده است بخود هرگز

در لحظه مبارک تحویل سال

نعمت میرزا زاده (م.آ.زرم)

من در کنار رگوزا "میر" ایستاده ام بگفتن تبریک سال نو

- در جمع گورهای گم‌شده تا زهرا یافته -

با یاد شهید امیر میر میرزاییان که در سال

های ۵۰ - ۲۷ همواره از سال های کبیره ۷۰

سخن می گفت.

میگویند: امیرمژده که آن پیش بینی ات آخر درست

در آمد!

آن جمله مکرر سر بسته ات

دیدی که سال های این دهه هفتاد

با بیان نیافته، با بیان گرفت سرا انجام.

"زخون جوانان وطن لاله شهیده.."

روزگار ستم‌ها می!

نسیم میوزدا ز روی خاک های بگریه از شنیم و تقابق

این گورهای پاک

اما نسیم، چه سویی سپاهارنا شناخته ای دارد

گویی سپاهارنا زهرا ریخ، میوزد!

هر سال زیر سلطه اهریمن



# تو کمن صحرا، زمین و جنگ

منشله گند و ترکمن صحرا یکی از مسائلی است که در ماه آخیر سال ۵۸ بوده که با ترور وحشیانه ۴ نفر از رهبران اتحاد خلق ترکمن در انبارت و تئورهای سبانه در منطقه اوج گرفت و با یاری خویش و روسا بر سال ۵۸ فرورد. "زنان در مبارزه" ضمن محکوم کردن محلات و حشانه به خلق ترکمن و ترور نا جوانان و به فرزندان آنها سعی کرده غیرمسمود و جنبشهای بسیاری که مانع تهیه کمکهای گسترده و زنده از محل میشد، در حدود امکانات در زمان این وضعیت مردم این منطقه به زنان مبارز ایران گامی بردارد. گزارش کوتاه و زیر خلاص این تلاش است:

منطقه ترکمن صحرا از نظر تقسیم بندی کشوری، بخشی در استان مازندران و بخشی در استان خراسان قرار دارد. سلسله منغور بیلوی با تکیه با راه کردن مناطقی که طغیان کرد، بلوچ، ترکمن ... در آن زندگی میکنند، سعی میکرد آنها را از هم جدا نموده و مانع از تدبیر و ستی و شکل آنان کرد. این جدایی همیشه یکی از مسائل کردها، ترکمنها و سایر طغیانها بوده است و همین علت تخریب از بیرونی قسامهای ارغوانسهای خلق ایران، تغییر تقسیم بندی کشوری و یکبار چرخ کردن مناطقی بوده که طغیانهای ایران با زبان واحد، سن و فرهنگ و مذهب واحد در آن می رسند.

دوران تاریخی جغرافیای ترکمن صحرا و سکونت ناخوشایند و سرکوت و حشانه به خلق ترکمن در زمان رضا شاه و پسر طغش، تا به آنها موثر واقع شده بود که اکثریت ملت ایران، به حضور خلق ترکمن در ایران و محل زندگی آن واقع نشودند، و گاه در شهرهای بزرگ از گزشتی را با تکیه های زیبایی ترکمنی و مردانی را با فال لجه های خوش نقش

برشانه می دیدند، با تعجب آنها میگریستند. باری از آنجا برخاستند و ترکمنها در این منطقه و نحوه زندگی آنها، قبل از سلسله بیلوی که گذریم، تغییرات اساسی تعیین کننده در نحوه زندگی و وضعیت اقتصاد ترکمنها از زمان حکومت رضا خان و جنگ انداختن او به زمینهای ترکمن صحرا، صورت گرفت. رضا خان نخست عنوان سیاستها و متاثر، تمام زمینهای ترکمن صحرا را به مالکیت خود درآورد. همین سلب مالکیت از دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا منشا، وسر آغاز تمام مناسباتی است که اکنون صورت مسئله زمین و مسئله خلق ترکمن مطرح است. رضا خان سلسله خود را به زور سرسبز زاندا رهسوار کشتاراجام گسیخته دهقانان و بیگاری گرفتند و حشانه از زحمتکشان ترکمن حاکم ساخت.

در طول مدت سلطنت رضا خان، سکوت مرگ بر صحرای ترکمن مستولی بود و ده زیاده از ترکمنها با به ضرب گلوله زاندا رهسوار و زگرستی و بیاماری زمین رفتند. در این زمینهای روستایی که شمال ترکمن که بیگاری های رضا خان را بچشم دیده و خود تجربه کرده بودند چنین گفته است:

"وقتی سربازان رضا خان به ترکمن صحرا هجوم آوردند، روستاهایی را که مقاومت میکردند به شدت سرکوب کرده و مردم را قتل عام کردند. بعضی از مردم را روی زمینهای کثافت زری هنگام کار اسیر گرفتند. و خیلی از آنها را به غیبوس سربازانی که کشته شده بودند تیرباران کردند. بسیاری از مردم به شهری فرار کردند. بعد از آن بیگاری شروع شد. در کشته قبه چون زمین قابل کشت وجود نداشت، از راهی برای جاده سازی استفاده میکردند. حتی از بیبریزان و بیبر مردان

هم برای بیگاری استفاده میکردند، آنها مجبور بودند با کاری شن میکنند، هر کس فرار میکرد به شدت تنبیه میشد. به خصوص کتخداها و اینها هم از هیچ اذیت و آزاری خودداری نمیکردند، مسجها مردم را به صف میکردند و برای بیگاری میبردند. توی راه هر کس از چپ یا راست میشد و با آهسته راه میرفت به شدت با شلاق تنبیه میشد. هنگام بیگاری غذا از خودمان بود. بعضی وقت ها شبها هم می آمدند و میگفتند با زاندا زحمتکشان بیگاری



بوسیله کاری چوب بسا ورید. در منطقه گندباد مردم برای کشت سوتون و تنباکوا استفاده میکردند. رضا خان از زمینها سهم ملاک میگرفت بعضی مواقع میشد که زمین محصول نمیداد. صاحب زمین مجبور بود فرش و وسایل خاکی را

را بفروشد، تا سهم ملاکی را بپردازد. سهم ملاکی رضا خان را ما موریش از همان سرخرمن تحویل میکردند و لوی می با بست ما خودمان با کاری آتراه انبارش تحویل دهم. کسی که تحویل میگرفت دستش را توی گندم فرو میکرد، که اگر دست خاکی میشد ما را مجازات میکرد.

در این دوره در مقابل این هجوم وحشیانه، مقاومت های بیگانه ای صورت گرفت. مهمترین جریان مقاومت، جنبش النون تو خماق (پتک طلایی) بود که مدتها در مقابل سیاست طمع سلاح رضا خان و فشار دولتی وی تسلیم نشد و به جنگ ادامه داد. این جنبش به علت خیانت گروهی از افراد ترکمن شکست خورد و بعد از آن دیگر مقاومت گروهی و سببی صورت نگرفت. زهرگوشه مقاومت فردی با قتل و شکنجه همراه بود.

بعد از سقوط رضا خان و اشغال ایران در زمان جنگ جهانی دوم، که هنوز شاه از قدرت کافسی برخوردار بود و مسازات مردم ایران آغاز شده بود، شاه از ترس حرکات مردم، املاک اختیاری منجمله ملک ترکمن صحرا را به دولت واگذار کرد. در سال ۱۳۲۱ قانونی تصویب شد که صاحبان زمینهای ترکمن صحرا، در طی مدت شش ماه با دادن عرضنامه به هیئت های رسیدگی مراجعه کنند. اما بیشتر دهقانان ترکمن صحرا که در دستگاه دولتی نفوذی نداشتند و با اوقاتون مطلع نشده بودند، از امکان گرفتن سند مالکیت و پس گرفتن زمینهای خود محروم ماندند و عده معدودی هم که قبلا با دولت رضا خان همکاری

**یاد شهدای تو کمن صحرا رزمندگان راستین خلق تو کمن از خاطر زحمتکشان ایران هرگز نمی رود**

میکردند و در خدمت او فرار داشتند، توأم هستند صاحب زمین های وسیعی شوند.

اما در سال ۲۸ بعد از سرکوب جنبش کردستان و آذربایجان که شاه قدرت بیشتری گرفته بود، مجلس با گذران دادن دولاچه ملاک را مجبدا به خانواده پهلوی بازگرداند. بخش مهمی از زمینهای او گذارنده به ترکمنها با جبله و اعمال نفوذ از دست ما حیانشان خارج شد. شاه در سال ۲۹ شروع به تقسیم و فروش بخشهای از ملاک خود کرد که عمده ملاک فروخته شده از زمینهای نامرفوب ترکمن محرا بودند. در این میان به عمده ای از ترکمن های مردورما حب زمینهای وسیعی شدند و توده دهقانان نیز زمینهای مختصری بین ۲ تا ۱۵ هکتار به دست آوردند.

در این دوره تولیدکننده روزی بعلت حاصلخیز بودن منطقه، آب فراوان و استفاده از ماشین آلات کشت و زری و تکنیکهای پیشرفته آبیاری سرعت توسعه پیدا کرد. هنگامی که این رشد، شهرها نیز بیرون رونق نرخته و کارگاههای فسی و تعمیرگاهها و سایر کشت و زری و ماشین و انواع کارخانجات، آرد، بنفشه پاک کنی، روغن کنسرو، گسترش یافتند. سروکله ادارات دولتی پیدا شد. و در یک کلام ترکمن محرابه منطقه جمع آوری ثروت و سرمایه اندوزی مبدل گردید.

در این هنگام رژیم شاه راخی راه سرمایه دارانی نظیر لیبیریان، اویسی، قزوه با فسی، بدهای ایران دیگر ارتش و کسانیک نظیر هوسر بزدا نی و افغانان با رنشته ارتش و گذار کرد قسمت های وسیعی هم در ملکیت دربار باقی ماند. در این میان عمده زبانی از کارمندان دولتی و زاندا امری و غیره در جریان دعاوهای مربوط به زمین با اعمال نفوذ صاحب زمین شدند. با لور مثال رونای دادگستری گنبد معمولاً درآمدتی به ملک زمینداران می پیوستند. علاوه بر این دولتیان عمده بسیاری غیر ترکمن هم معنوان اجازه دار زمینها را اجازه کردند و بعد از چند سال

با حمایت دولت و جبله مالک زمینها شدند. بدین ترتیب می بینیم که زمینها عمدتاً به مالکیت سرمایه داران غیر ترکمن و غیر سومی درآمد. البته در کارهای با فارسها، ملاکهای ترکمن هم بودند که با بقعه همکارای دولت صاحب زمینهای وسیعی شده بودند.

دهقانان در مقابل فسخ زمینهایشان دست به مقاومت زدند و شاه هم باینده خود را برای خاتمه دادن به این مقاومت به منطقه فرستاد. رژیم تصمیم داشت موقعیت سرمایه داران ملاک را تثبیت کند و دهقانان ترکمن را به زور به زمینهای کوچک براند و چنین نتواند کرد.

دهقانان ترکمن با زمینهای کوچک، باری از قرض با تسکین و نفوذ سفیر خرا و نرو و لخواوران مجبور به تمکین شدند. خانواده های زحمتکش مجبور بودند معاش خود را از قطعه زمین کوچکی تا زمین گندوگاه حتی منبع عمده درآمدشان سه زمین بلکه، فالی و گلیم با فی و غیره سود زنان زحمتکش ترکمنی که از همان اول کودکی در کار نمد دملی، فالیمایی و گلیم با فی وارد شدند



بخش سنگینی از کار را بر دوش خود میکشیدند. زنان روستایی ترکمن معمولاً دستانهای آنرا برنج زخم دارند که در اثر مالیدن نم به وجود می آید و بعلت آنکه از همان کودکی با شاخه های خیسیده و پشت فور کرده، مدتهای طولانی پشت دار قالی می نشینند و به سیمای زبانه دار می میوشند، اکثر آنها در سنین جوانی بپیرنظمی رسد و خیلی زود بپیری میرسد.

زحمتکشان ترکمن سالهای سیاهی را در این ظلم و ستم بر سر بردند و همین علت هم در سال ۵۷ علیه مردم تلاش افرا دی نظیراً خود نشیندی که میخواستند سوا استفاده از احساسات مذهبی مردم جنگ شیعه و سنی راه بپسند (بگیا رسم نظامات جمعا قدران طرفدار شاه را با سوا استفاده از نا آگاهی روستاییان ترکمن برآوردند) همیای سایر خلیقهای ایران در جنبش ضد دیکتاتور شریک گردیدند.

بعد از قیام پیروز مردم دهقانان ستم کشیده ترکمن با خواست پیوستن زمینهای غصبی بحرکت درآمدند. آنها به این اعتقاد بودند که با سرنگونی شاه مزدور حقوق حقه خود یعنی زمینهایشان را که سوسیله سلسله متغور پهلوی غصب شده بود بدست خواهند آورد. آنها در زمینه با ریس گرفتن زمینها به فعالیتهای گسترده ای بیزدست زدند و شوراهای دهقانی تشکیل دادند. اما زمینداران، نفوذ آنها و عوامل سابق رژیم هم بیکار نشدند. جالب است که فرماندار گنبد پس از زبیروری قیام بکی از زمینداران فارس گنبد تعیین خود دولت آقایان با زرگان در گنبد نیز نظیر تمام مراکز مناطق دیگر سعی در باقی عوامل رژیم سابق نمود. ملاکین و مشقودالها که

متافع خود را از دست رفته می دیدند، دست به تحریک و توطئه زدند. آنها بهر راهی موافق با او که در کمیتها با نفوذ کرده بودند، جنگ اول راه به ترکمنها تحمیل کردند. بعد از این با جنگ نقش آنها در سوا انداختن این آتش کلاما روشن گردید. اما دولت برای حل مسئله زمین در گنبد اقدامی نکرد. آقای ابزری وزیر کشت و زری دولت با زرگان که اخیراً تمام زمینهای خودش در فارس معاد شده معتاداً نسبت به نفع دهقانان زحمتکش کارکنند و مسئله همچنان باقی ماند. بعد از سقوط دولت با زرگان و انتصاب زبانه های بی معاصرت و وزارت کشت و زری و اعلام تقسیم اراضی، هیئت ۵ نفری که به گنبد اعزام شده بودند از مذاکراتی با نمایندگان شواهای روستایی به توافق باقی دست یافتند تا برای اعلام با ریس گرفته شده سند صادر شود. اما در همین حال دومین جنگ گنبد در گرفت که شرح مفصل آنرا در روزنامه ها خوانند و زبیروزیون و را دیوشندیم آنچه از این جنگ باقی مانده شهادی بسیار، کینه های تازه شده و خوشبختی گیم زحمتکشان است که تنها حق خود، زمین خود را می خواستند.

از زمان درگیری های اسفند ماه تا کنون علاوه بر ترورهای وحشیانه ای که در منطقه صورت گرفته، وعده و وعیدهای فراوانی نیز از طرف مسئولین مبنی بر تقسیم زمینها و نابودی مشقودالسمده شده، تقسیم زمینها قبلاً سوسیله شوراها صورت پذیرفته و تنها برسمت شاخه شوراها و اادامه جریان تحویل سند به صاحبان املی زمینها که قبلاً شروع شده بود میتوان بدیعمانی تقسیم واقعی زمینها باشد. اما غالب است که

بقیه در صفحه ۳۱

هر چه گسترده تر باد شرکت فعال زنان در مبارزات ضد

امپریالیستی خلیقهای ایران

# مصاحبه با مادر مجاهد شهید ناصر صادق

خانم ما در مادر مجاهد شهیدان مراد قیاس است که در سال ۵۵ بوسیله درخیمان شاه دستگیر شد و در ۳۰ فروردین ۵۱ بعد از تحمل شکنجه های فراوان و دفاع از خلق محروم در میدان گاهای شاه عاشق به اعدام محکوم و بدو شهادت رسید. لازم است ذکر است که شهیدان مراد قیاس عموکا در مرکز سازمان مجاهدين خلق بوده و از حماسه آمیزین انقلاب محروم شده و میریالیستی خلق قهرمان ما می باشد.

**لطفا در مورد شهدا دفرزندانتان و موقعیت آنها در مبارزات گذشته و حال، درگیری خانوادها در مبارزات مسلحانه قبل بگوئید.**

من چهار پسر و دو دختر دارم. نام فرزندانم زینگر، که بشهادت رسید، در ابتدا سال ۵۵ نامر، منصور و محمد دستگیر شدند. نامر که بشهادت رسید، منصور هم در زندان آزاد شده و محمد نیز به سه سال زندان محکوم شد که بعد از آزادی از زندان مخفی شد. سهیلا دختر من نیز در سال ۱۵ سال بیشتر نداشت و سال اول دانشکده اقتصاد بود به مدت ۲۱ ماه در زندان های کهنه، اوین و قهرم پسربرد. هم اکنون نیز فرزندانم در رابطه با مجاهدين خلق فعالیت می کنند.

خانواده ما در سالهای قبل مرتب مورد هجوم و حمله ما بودمان و با اوک فرا داشت نمی نبود که ما راحت نتوانستیم استراحت کنیم. شبها می بود که حتی سه دفعه بخانه ما حمله می کردند و تمام زندگی ما را بسوزانیدند. دیوارها را می کندند، زمین خانه را می کندند گویایی جا هارامی می کشند هر چه کتاب و مدارک بدارد بخسور بود بزدند. علاوه بر بگویم که هیچ چیز برای ما باقی نگذاشتند ما همیشه در اضطراب بسر می بردیم.

بیکار در سال ۵۴ بخاطر دستگیری دختر من بهیلا بخانه ما هجوم آوردند و او را بردند. در همان سال برای دستگیری فرزند دیگرم که مخفی بود و حیثیانه حمله کردند و بیکار هم برای دستگیری پسر من حمله کردند و او را دستگیر کردند و بردند.

**کمی از شهید، نامر ما می بگوئید.**  
نامر پسر بزرگم بود در کودکی خیلی شیطان و فعال دوست داشتی بود و از زلای اول ابتدایی همواره ریشه اول بود.

نامر در دوران دبیرستان از فعالترین شاگردان در مبارزات سیاسی آن دوره بود. در بخش و تکنیکر اعلامیه های آیت الله خمینی و در تمام نظرات فدو رژیم شرکت داشت و معالیه جسر راه اندازان این نظرات بود. ابتدا در مسجد کوچکی دربارا رهبر ما سرپرستار همگوشی جمعی کوچک تشکیل داد و سپس در مسجد طلیسی شهر ما برادران همگوشی یعنی مجاهدين جلالت و برنامها می داشت.

نامر جزوا اولین کسی بود که به مجاهدين خلق پیوست و افتخار عضویت در این سازمان نصیبش شد. او با پیوستن به سازمان مجاهدين خلق ما من و ما وای اطلی خود را یافت و ما تمام شوقی که داشت با تمام استعدادها می که داشت با تمام کارهای که بلد بود، در یک کلام همه امکانات به سازمان پیوست. در سازمان نیز تا مرگی از برسته ترین اعزام بود، در موتورسواری کنی بگردن رسید. همه نظریه در ارتش جزو معدود شاگردانی بود که در زمان آزادی ... اول بود.

## دینال مصاحبه با مادر مجاهد

**بخش شما در تربیت انقلابی فرزند شهیدان چه بود، بطور کلی بنظر شما عوامل موثر در خانوادها در پرورش یک انقلابی چیست.**  
من و پدرش به تربیت نامر خیلی اهمیت میدادیم چرا که پدرش نیز از زمانهای قبل بود. همه نظریه که گفتیم می کرده ام و از همه لحاظ (ورزشی، درس، امور مذهبی و غیره) بهترین تربیت کنیم و بطور خلاصه بگویم ما در اولیا صبر من بودیم ما در وقت ما زمان مجاهدين خلق بود بعدا این نامر بود که روی من تاثیر گذاشت.

خانواده می توانستند بسیار مهم در تربیت فرزندان آزاد و انقلابی داشته باشند. همان طور که ما اعلامیانه می در تربیت فرزندان نامر داشتیم. البته میانه نید برای اینکه خانواده ای فرزندان انقلابی تربیت کند باید خودش نیز آگاه باشد. و ما نیز تا حدودی از این نعمت برخوردار بودیم.

**از چه زمانی نامر درگیر مبارزات شده است و نقش خود را در این مبارزات چگونه می بیند؟**

اول دستگیری نامر یعنی سال ۵۵ بطور فعال (البته در حد خودمان) درگیر مبارزات بر علیه رژیم شاه و جناح راست شدیم. و بطور کلی ما مادران در ایفای نقش ما درجهت افتخاری جنایات شاه در آن زمان موفق بودیم. همچنین توانستیم بهیلا آنچه ما میمان یعنی مجاهدين خلق را بخدمت محروم برسانیم.

**چه چنگهایی برای بیشتر در مبارزات مجاهدين تونستید شما و خانوادها انجام گرفت؟**

بطور خلاصه بگویم من و خانوادها تمام امکانات خودمان را با جانی که لازم بوده ام از ما لای و معنوی در اختیار سازمان گذاشتیم و این کارم گفتن نیست که همه اش برای بیاد شدن اهداف انقلابی و اعلامی فرزندانم بود.

**با آشنائی که ما مادران شهدا داریم، نقش ما در آن را در مبارزات گذشته چگونه ارزیابی می کنید؟**

مادران شهدا را برای انداختن نظرات اشتراکانه در سطح ایران و همچنین فعالیت های اشتراکانه پشت در درند آنها توانستیم بهیلا فرزندان ما هد خود را بگوش مردم برسانند. نظرات شوکه مندی که گوش رژیم را کر کرده بود.

**آیا کسی را بعنوان سبیل مقامت و سایر روزه از زمان و ما در آن می شناسید؟**

میانه میانه که زمان ما چه در گذشته یعنی (زمان شاه در آن دوران حلقان و دیگنا توری) وجه در سال گذشته همه ما همیای مردان در مبارزات شرکت داشتند. و ما زمان زیاد می دادیم در هر شکنجه ها و در میدانهای تیرشهادت رسیدند و همچنین ما در آنی که خود شکنجه شدند و تا همه شکنجه فرزندانمان بودند. بنا بر این زیادند. ولی بعنوان سبیل مقامت و بیادری در هر شکنجه های و حیثیانه آریا شهری میتوان از مجاهد شهیدان طعمه امینی نامر که بحق سبیل مقامت بوده و هست که لابد شرح شکنجه های می دانید.

لطفا ما ماها شکنجه و توبل از بنگو و همگی که اطلاعاتی به دشمن ندادیم یا این با خاطر میگویم که من افتخار همیشگی و آشنائی و همکاری با او را داشته ام. و از نزدیک او را می شناختم و واقعا این باعث افتخار ماست که چنین زنان مقام و میا ایمانی داشته و داریم.

**چه خاطره ای از دوران انقلاب دارید؟**

بهترین خاطره من از فرزند شهیدان ما است. زمانی که در دادگاه مدخلی شاه گویید و با استقامت با عشق و ایمان برآه عدا و غلظت از ایدولوژی نجات بخش اسلام انقلابی و غلظت محروم شدن دفاع می کرد. پس از بیان دفاعیاش بردار دادگاه دوم زمانی که شنیدیم ما اعدام محکوم



مصرف صحیح متحرک کنند و تا حدودی هم توانستند تفرقه و تشتت درجا معین افراد گروه‌ها بوجود بیاورند و منشا توجیهات مبارزات ما همان شناخت دشمن اصلی و وحدت حول آن می باشد در غیر این صورت شکست ما حتمی است .

**فعالیت های عمده شما در حال حاضر چیست ؟**

■ می و سایر مردان مجاهدین خلق سعی میکنند ما را هم فرزندانی مجاهدان ما بنام و آنها را در پیشبرد اهداف انقلابی و اسلامی شان کمک کنیم . ما حامی آنها و برنامه های ترغیبی آنها هستیم .

**■ نظرتان در مورد حذف مسعود جوی از گمانه های تئوری ریاست جمهوری چیست ؟**

فرزند ما هدم مسعودها دیگر و هم فرزندانی شهیدمان حریف نژاد - ناصر - سازگاری - میندوست ... می باشد هم اکنون رهبری سازمان مجاهدین خلق را عهده دار دایره های مترقیان است از طرف سازمان راهکارها و حمایت بصری که مردم از او گرفته اند راجع را سخت بلرزه در آورد . چرا که میم آن دانشنده مسعود (با حمایت وسیعی که از طرف افشا مختلف مردم از او رفته) رئیس جمهور شود و سرانهای انقلابی مردمی خود را بیاد کند ترسیدند و از حذف کردند . میدانید که راجع املا تا تحمل انقلابیون را ندارد ، و نیروهای مترقی و انقلابی در ذهن او جای ندارد .

**■ در مورد کار کردن زنان در خارج از خانه نظرتان چیست ؟ منظور فعالیت های اجتماعی و نقش آنها در کارهای تولیدی است ؟**

بعقیده ما زنان و مردان هیچ فرقی ندارند و می توانند همای هم در مبارزات اجتماعی و سیاسی و همچنین در کارهای تولیدی نقش خود را بخوبی ایفا کنند . درست است که هر کس کار خاصی را ممکن است بتواند بکند ولی فرقی بین زن و مرد نیست معیار برتری در اسلام انقلابی همانا تقوی رها می باشد است که قرآن می گوید :

شده است لیا ن گرمش را بوسیدم و گفتم جا من سرخ شها دتی را که برای خودت آماده کرده ای مبارکت باشد . می توان گفتا رمی کشم و مویش را فرسرق بدویسه کردم . ما او کتبا انقدر تا راحت شده بودند که در نتیجه ما را بشدت مورد تشنه قرار دادند و طولانی می بخندیم و برود دگا هتا من سر بخوشی گفت ما در طولای خودم را قبل از شها دتم خودم بخورم گفتم ما در این مشتکی است بدجل رژیم و طولو را بسا برزند آنها ، کمیته شیرانی و قزل قلعه هم بردم . دیگر از خاطرات جالب دوران زندگیم حرکت شکوه مند مردم قهرمان ما در سال گذشته بود ما می دیدیم که چطور خون فرزندان ما باعث جوش و خروش و حرکت خلق قهرمانمان شده است و وجود فرزندان ما مرشد ما بر شهیدانی ما مجاهدین خلق محمدا زکائی ، علی میندوست علی باقری که در دگا هتا ن شرکت داشتیم در وجود تک زنان و مردان و جوانهای میدیدم که سینه های پاک خود را سیر گلوله های مزدوران ارتش شاهنشاهی کرده بودند . پسران و پسر مردانی که چه جای کوچک خود را بعل کرده و با ما یان تا ناول زده بود ، ولی از بیای نمی شنیدند . راهبیمانی با سارا می گویم . شاه فدای خا پرشور فرزندان ما هدم مسعود جوی که همرا هتا ناصر و سایر مجاهدین ما که می شنیدم . مسعود همرا ه مجاهدین شهید دریا ن دادگا هتا شهی نرمن الله و فتح قریب را بلند می خواند که مورد ضرب و شتم ما موران ساواک قرار گرفتند . ناصر گفت ما مرودشما دتم را می خوانیم و شما نمی توانید تحمل کنید و ما را می زند .

**■ بنظر شما بعد از این جهت مبارزات مردم چگونه بوده و جهت صحیح آن چگونه است ؟**

میدانید ما رسال مردم دشمن برایشان شناخته شده بود و همه او را می شناختند . بلکه دشمن شما ره یک مردم بود . ولی با دتا ن هست که مردم می گفتند پس از شاه نوبت امریکا است . متناگانه دشمنان کش خود ما سعی کردند که مردم را از این

ان اگر کم کند الله تعالی . آن چیزی که میم است کاری است که میشود . کاری که در جهت رفیع سیا زنده سها ی شریعت است .

■ بنظر شما فرهنگ منحط غربی را چگونه میتوان ریشه کن کرد ؟ ما زنان در این زمینه چه نقشی می توانیم داشته باشیم ؟  
ما می توانیم فرهنگ انقلابی و راه پی سختی اسلام را ( اسلام اصیل و انقلابی را میگویم ) نه اسلام ارتجاعی ( در جا معمه بده کنیم تا فرهنگ منحط غربی ریشه کن شود و هتا منظور که گفتن و مسرد ندا رده ما بیدگا رکنیم ، تلاش کنیم و بدانیم که زن کالایست . شش نیست بلکه انسان است . انسانی که می تواند انقلابی یا توده میانی مردان در راه میدان سا برانها را قیودند و سها بگردان

**■ نقش زنان را در کارهای تئوری مجلس چگونه می بینید ؟**

زنان نیز هتا منظور که قبلا نشان دادند میتوانند همگام با مردان در این امرهای و سرنوشت ساز و شرکت کنند که لایمید ما سها هدین خلق نیز تعدادی کاندیدای زن معرفی نموده اند و اصلا میدانید که پیروزی انقلاب بدون شرکت نسبی از مردم که زنان باشند امکان پذیر نیست .

**■ در مورد نقایح اساسی چه نظری دارید ؟**

همانطور که فرزندان ما هدم گفتند و ترسالت تاریخی و مکتبی خود با خ مثبت دادند من نیز فکرمیکنم که این قانون اشکالات اساسی در مورد مالکیت ، استثمار ، مسئله ملیت ها و برابری زن و مرد و غیره داشت که بخاطر رسالت مکتبی و مسئولیت تاریخی که وجود داشت نمیتوانستیم به آن رای مثبت بدهیم .

**■ پیشنهاد شما برای آگاه کردن زنان و درگیر ساختن آنان در مبارزات چیست ؟**

زنان ما با سستی به برانها ی از پیش تعیین شده و اجباری تن در ندهند و قیود بندها و سستی ی

ارتجاعی را که بدست و پا یان شده است از هم بگسلند . ارتجاع میخواهد که زنان فقط در خانه به کارخانه های سرسردولی ما بنایدانیم که زن غیر از وظیفه مادری مسئولیتهای سنگین دیگری نیز سعه دارد ، او مسئول است و باید همای مردان ما مع در رفیق بنم و سپهره کنشی ها بکوشد و تلاش کند و بگذارد که با نقش درجه دو بدهند . با بدشجا غه های در صحنه مبارزات اجتماعی و سیاسی بگذارد هتا منظور که این سالها زنان ما یان دادند که همرا مردان برندا سها رفتند ، عکسها نشند و ما لخره به میدانهای تیزر فرستاده شدند ، در راهبیمانی شها ی عظیم شرکت داشتند و همرا مردان در شکست تئوری نقش مهمی را ایفا کردند .



مجاهد شهید ناصر صادق

### قانون کار پیشنهادی اتحادیه شوراهای انقلابی اسلامی کارکنان گسترش

بودند، به کار نمی آید. از این قوانین کار جدیدی می سابت با مشارکت نمایندگان کارگران در شوراهای واقعی کارگری تنظیم شود.

اتحادیه شوراهای انقلابی اسلامی شرکت های سازمان گسترش و سوسازی صنایع ایران که حدود ۴۰ هزار کارگر و کارمند را در بر میگیرد، طرح جدیدی برای قانون کار و قوانین اجتماعی پیشنهاد کرده است که با خواسته های اکثریت کارگران در ارتباط فعلی منطبق می باشد.

ما با توجه به این حقیقت که بدون مشارکت اتحادیه های کارگری، هر قانون کار که تدوین شود، نمی تواند منافع حقوق اولیه زحمتکشان جامعه ما را در برگیرد، به نقل نکات مهم این طرح پیشنهادی می برداریم و بخش مربوط به حقوق زنان کارگران را مفضل تر میسوزد بحث قرار میدهیم:

طرح پیشنهادی اتحادیه کارکنان سازمان گسترش - خواهان آن است که قانون کار زمانی کسای را که به سن کار رسیده اند و مزد کمتری می باشد، تحت پوشش خود درآورد. نه اینکه مانند گذشته فقط کارگاه های سابق از ده کارگر را در بر بگیرد. در این طرح حداقل دستمزد کارگرها را سه هریزه زندگی کن و میسورد و ۴ فرزند تعیین میشود. در حالی که قانون کار سابق هریزه یک خانوادگی کارگر تنها یاد و فرزند در نظر می گرفت. طرح پیشنهادی می گوید که ساعات کار کارگران نباید به ۴ ساعت در هفته و ۳۰ ساعت در روز تقلیل پیدا کند و کودکان کمتر از ۱۶ سال به کار گرفته نشوند. در مسورد امکانات رفاهی از قبیل مسکن، سرویس رفت و آمد، سرویس غذای و تسهیلات بهداشتی و...

یکی از اهدافی مهم مبارزات فدا میالیستی در جامعه ما همیشه تان میزبان بط بهتر زندگی برای تمامی زحمتکشان بوده است. کارگران میهن ما - ام آرزو مردم - که در رژیم شاهنشاهی عوانه فقر و فلاکت و حکومت رعب و وحشت در محیط کارخانه و زندگی چیز دیگری عاید آنها نشده بود، برای سرنگونی نظامی که آنرا عامل اصلی محرومیت خود میدیدند، همگام با سایر زحمتکشان به پا خاستند. آنان به خوبی دریا فته بودند که هر چه بود چیزی در رفاهیت زحمتکشان جامعه به میزبانی سخت برای مقبر راندن سرمایه داران وابسته از صنایع و خدمات و غارتگران آنها، نیارمند است و بدون این میزبانی توان آنها را از قبایل قانونی و غیرقانونی زحمتکشان با زداخت.

کارگران قهرمان ما که از آنها بیست در کارگاهها و کارخانه ها به مبارزه میریلیست کارفرمایان و عوامل پلیس حامی سرمایه دار برداشته بودند، در سال گذشته نیز همراه دیگر محرومان جامعه با امتضایات و نظاهرات وسیع نظام میسوزده شاهنشاهی را به گورستان تاریخ سپردند.

پس از قیام میهن ما، میزبانی بیست در کارخانه ها به جریان افتاد. کارگرانی که امروز پیش از گذشته به قدرت و نیروی لایزال خود متکی هستند، خواهان برقراری نظم جدیدی در امور کارخانه و تان بودی هژان چیزی که از روابط ظالمانه گذشته به جا مانده، هستند. قانون کار سابق که توسط عوامل سرسپرده سرمایه داران در وزارت کار و تانهای می تدوین شده بود، دیگر برای تنظیم روابط بین کارگر و کارفرما به شکلی که کارگران میزبانی هژان آن

این طرح کارفرما را به تان این وسائل و سوا پرداخت هریزه های آن برای کارگران موثف میداند. در رابطه با مشکل بیگاری که مسزوه صدها کارگر در جامعه با آن دست بگیر میبند بیمه بیگاری پیشنهاد میشود. این بیمه باید تمام افرادی را که به سن قانونی کار می رسند و دارای وسائل کار و تولید هستند در نظر گرفته شود. به محض اعلام آمادگی برای ملتیت و مذهب و... این افراد تانگامی که ارتحت پوشش قرار بدهد، این افراد تانگامی که کار پیدا نگردند، از مقرری بیمه بیگاری استفاده می کنند. این طرح همچنین کارگران را جایز میداند که برای احقاق حقوق حقه خود در صورت ضرورت به شیوه های مختلف اعتراضی از قبیل اعتصام و تان منقول شوند و هر نوع تعرض و فساد بر تانگیلات منفی و سیاسی کارگران را ممنوع اعلام میسوزد.

با نگاهی به حقوق کارگران زن در این طرح پیشنهادی و مقایسه آن با قانون کار سابق برخی از امتضایات رسمی سرمایه داران را برای غارت و بیبانی و تسری کار زنان کارگر جامعه مان می شناسیم. مطابق با قانون کار سابق زنان کارگر در دوران بارداری تنها میبوانند از ده هفته مرخصی استفاده کنند که در این مدت نیز فقط در مسوم دستمزد (بدون مزایا) خود را آنها دریافت می کنند؛ دوران مرخصی با بارداری در طرح پیشنهادی به ۳ ماه مرخصی با استفاده از تان میسوزد مزایا افزایش مییابد. در قانون کار سابق ذکر شده که کارفرما میبواند از اجازت کارگران زن در ایام طول مدت مرخصی با بارداری نخواهد داشت. اما اگر کارگرنی به بیش از ده هفته مرخصی نیاز داشت عملا اخراج شده محسوب میشود.

در طرح پیشنهادی "اتحادیه کارکنان سازمان گسترش صنایع" کارگرنان این حق را داده که در صورت نیاز یکسال مرخصی بدون حقوق بگیرد و در این مدت نیز همرا و او می معادل حقوقش به او پرداخت شود. در قانون کار سابق در صورتیکه تعداد طفل کارگران زن در یک کارگاه بیشتر از ۱۰ نفر باشد، کارفرما به تان مین محلی برای نگهداری آنها موثف تانخته میشود.

اما در طرح پیشنهادی، کارفرما با بدبجاری نگهداری حداقل ۵ طفل در یک کارگاه، شیروار و کارگاه و مسدود کردن میناسب با پرسونل استخدام نماید. در مین حال مادرانی که فرزندان خود را به همراه می آورند میبوانند یک ساعت زودتر از کار مرخص شوند که این نیز جز ساعت کار محسوب میشود. این طرح همچنین کارفرما را موثف میداند که زنان کارگر را در دوران بارداری به مشاغل متضاسبی توانا شیبای آنان بکارد. به نحوی که به سلامت آنان از لطمه ای وارد نشود.

تدوین این طرح پیشنهادی و انتقار آن خود فرجه ای است که کلیه کارگران و زحمتکشان ایران میبوانند از طریق شوراهای اتحادیه های خود در سرا برکتوز، اصول اساسی قانون کار آینده را بدست خواهند برد و در آینده نزدیک به تصویب مجلس شورای ملی سرمایه بند و مشش ضد امپریالیستی مردم میبماند را از اغلاقی تانازه بسختند. ما پیشقدمی اتحادیه های شوراهای انقلابی اسلامی شرکت های سازمان گسترش و سوسازی صنایع ایران را در این امر میبانی به آنها تشریک میگوئیم و امیدواریم در تکمیل این طرح با همکاری سایر شوراهای اتحادیه ها در سراسر کشور و به تصویب رساندن آن موفقیت داشته باشیم.

### هر چه گسترده تر بود شرکت زنان در شوراهای کارگری دهقانی و اداری

# حیات بدون زندگی

بیماری های روانی از آن دسته بیماریهایی هستند که شناخت و علل و اثرات بیکیه موجب بروز آنها می شوند. عموماً با مشکلات فزاینده و روبروست. میتوان گفت که علوم روانشناسی و روانپزشکی از این نظر دچار اسیبها و زیادهای است. این علوم تا به امروز موفقیت چندانی از نظر عملی در پیشگیری و درمان این بیماریها نداشته. اما مسئله شناخت و درمان این امراض تنها یک مسئله انفرادی نیست که با پیشرفت علم پزشکی و روانپزشکی مربوط باشد. چرا که شرایط اجتماعی به صورت بنیادی در بروز و وجود این بیماریها موثرند. باید توجه داشت که پیشرفت و یگانگی این علم خود مستلزم وجود و گسترش امکانات فنی و اجتماعی وسیعی است که در بیماری از جوامع ما سابقاً وجود ندارند. از سوی دیگر توجیهاتی برای این سهیلات در کل جامعه، بهرهگیری از آنها را برای گروه وسیعی از بیماریان ناممکن می سازد.



برای اکثریت مردمی که زندگی بی غرور و شاد فاجعه ای در خود دارد، حادثه شکست انگیزی است و فاجعه انگیزش را نگاه مستلزمان بیبیماریهای روانی در طبقات محروم جامعه ما، این ستمناشی ازنا برابری ها را درمیدان وای خود دوچندان تحمل می کنند. وجود آسایشگاه مدرن و مجهز میدان و رنگ درگنا رزنده نهایی پزشکیست که نامرکز روانپزشکی سرخسود دارند، انعکاس دیگری از فقر و بیبختی آنهاست که در دسکوپس و انحصار و ثروت و امکانات در سوی دیگر است. مجتمع روانپزشکی رازی (دسوانه خانه امین آباد) نمونه ای از این مراکز دولتی است.

در این بیمارستان بیماریان مختلفی را که دچار صرع های کوچک و عقب افتادگی های ما در زادی هستند با بیماریانی که فقط بوسیله شوک آرام میشوند، به ظاهر معالجه و نگهداری

می کنند، بیماریان از طبقات مختلف جامعه و عمدتاً از طبقات محروم و زمینگش هستند. این او خرافات و باورهای همگه بر اثر شواهد نند قلمبه شهنشوعه دل روحی خود را از دست داده اند، به طیف رنگارنگ بیماریان افا فته شده اند. بیماران به دو قسمت عمده "بخش و" دهکده" تقسیم میشوند. بیماران "بخش" ظاهراً تحت مراقبت روانپزشک، مددکاران و پزشکان قرار دارند. البته به زحمت میتوان به آنچه بعنوان درمان صورت میگردد نام روانپزشکی نهاد. آنچه در برآورده دارد چنانچه حالات ظاهری بیماران و نگاه تا ریزهچگونگی های از زندگی آنان است که غالباً از حرفهای ضد و نقیض خود بیماران ما می گیرد. استفاده از راههای آرامبخش یا به واسطه مدارا و ارتشکلی می دهد. داروهای گدگامها هر مومن مردانه بر روی صورت زنان ریش می رویانند. زنان و مردان در ساختمانهای جداگانه نگهداری میشوند. بیماران که غالباً به علت استعمال داروهای شکیمن دهنده در حالت بنین خواب و بیخوابی سر میگردند و تا ریزه استراحت دارند. برای انجام کارهای جاری بیماران، چون نظافت و نگهبانی مورد استفاده قرار میگیرند. گوشه سیمند را اینجا هم روی تفریح کار آنها حساب میکنند. طبیعی است که چنین نگارگری غیر عقلانی از بیماران چه فایده ای سبار آورد. فحاشی که در برخورد های خونت آمیز با آنها بیاد بگیریم از رخ میدهد و غالباً به تنگ کاری و زخمی شدن آنان منجر می شود و این شیوه رایجی برای حل مشکلات و مزاحمت های بیماران است.

کتابخانه نگهدارنده گرفته، اتاق کار درمانی و با سائل سرگرمی بسیار ابتدائستی و بیاتنگه ورزشی و تفریحی با امکانات محدود، وسائل املی کار درمانی را تشکیل میدهند. کارن پزشکی هم از ۱۵۰ روانپزشک و ۳۰ پزشک و ۲۰۰ درس و ۲۶۰۰ بیماران قابل حدود ۱۵۰۰۰ بیمار تشکیل

شده است (تا زهرا گرگاریهای خارج از بیمارستان به آنها فرصت میدهد). برخی از بیماران که پس از مدتی بستری بودن در "بخش" روبه بهبودی میروند، راهی خانه میگرددند. بدون اطمینان از اینکه با زنگت آنها به زندگی عادی، برودام و همبستگی باشد. آنها که ما ندگار می شوند، بتدریج از شرایط خود را با محیط بیرون آمیزت میدهند. خانواده ها ترجیح میدهند، وجودشان را نا دیده بگیرند و پزشکان و پرستاران آنها را از حوزه نظارت خود خارج می کنند. در اینجاست که دنیای کابوس گونه دهکده به روی آنها باز میشود. دنیایی که اگر بیماری در آن قدم گذاشت، دیگر با زنگش وجود ندارد. و دهکده همانجاست است که او با بیدار شدن در جایی خود را از "بخش" و در فاصله محدودی از جامعه و زندگی قرار دارد.

دهکده شش ساختمان زادرسری گیر دودهر ساختمان مجموعه ای است از حدود ۱۲۰ بیمار و ۶ تا ۷ بیهوشی و کمک بیهوشی و در هر نوبت، بیهوشی از خود نگه داشتن سخت برگشته ای است که هر روز و شب خویش را به جدال با دنیای بی انسان - حیوانیهای "دهکده" سپری میکنند. جدال با کاشی که لخت و عور، از درون جیبی، بدون تصویری از گذشته یا آینده، با من پوشش های که خود بر تن در میزدند، در میان سوی غفوت و وکنانات و صداهای کنگ، فریادها و جبهه ها و فحش های نامفهوم، از یک سو به سوی دیگری روند. که آرام و گاه به حیوان درنده و خطرناک مبدل میشوند. زندگی هر لحظه فاجعه دهکده، برای ساکنین آن عادی ترین چیزهاست زندگی در میان صدای شکسته شدن شیشه و فرود شدن چوبهای تخت، زندگی در برابر چهره های بی حالت و رنگه های که چیزی را دنبال نمیکند. گاه خمی سماقی و تا معلوم آرمش و سستی ناشی از قرص های آرام بخش را در هم میسرزد.



کوش بیعاری با دیدن کتبی می شود، بیست و پنج ساله ای که مدت است رنگ تنگ و ملاطفت خود ندیده اند، زیر پا خرد میشوند. بعدت نیست به کمدهای جویی میرسد که با دندان جویده شوند این خونت ها درجا وزات جنسی وحشیانه می شود و بعدت میرسد. مدت قبل مردی بر اثر تجاوز از اوجا زدگی کشته میشود. این قتل عمد نیست، چرا که تصدای راه های درگاه نیست و این فاجعه نیز امری عادی میشود. فلاکت و مظلومیت محتوی اصلی زندگی تمام این بیماران است. اینها طرده شده از جامعه و خویشاوندانشان به سر زجر آزار هم میرداند و زند خود نیز جزایان ندیده اند. غالب آنها، به غیر از امراض روانی از بیماریهای متعددی رنج میبرند. بیماریها را عادی خاصه پذیرفتن و معالجه امراض جنسی آنها نیستند. پای یک بیمار از امراض میگذرد، بعد چرک می کشد و چرک تا زانو رسد می آید. اما بیماران حاجتی برای قطع اینها هم از او زنا نمی پذیرند. استخوان آرنج دیگری هنگام شکستن شیشه در میروند ولی کدام دکتر حاضر است دست یک "دیوانه" را معالجه کند؟ این کار خطرناکتر از آنست که هیچ نوع حس نودوستی را در او برانگیزد! اینجا زخمها خود بخود خوب می شوند. بیماران هم پس از آنها زندگی در این محیط به این وضع عادت کرده اند. کسی از جراحات نمی میرد! حتی اگر بخندد یا شکم اش با لگد "دیوانه" دیگری بپاره شود و معالجه او حاضران بیرون بریزد. جنس او جنسی همچنان به عنوان مشکل اساسی و در عین حال عادی ترین مسائل جریان می یابد. اگر چه بیماران آنرا حل کنند! مردان و زنان در محوطه باغ و باغها و... با هم بسر میبرند. روابط جنسی از سوی روانپزشکان منع نمیشود، چرا که کنترل آن در دست یافتن بیماری روانی موثر است و ضمناً این روابط غیر طبیعی سودگاری نمی توان و نا سالم اند که تحویل

برورنگاها میشوند. تا با لاجرم مسئولین به این راه حل محیرالقول میرسد که "دیوانه ها" را به عقده ازدواج هم در آورند. شاید این دلیل که این روابط جنبه قانونی نبوده است! البته بیماران با حفظ روابط آزاد جنسی برای تصمیم بگیرند به نظر می کشند و کسی نیست که برای جلوگیری از تولید کودکان ناخوش رحمت عظیم کردن تصدای از بیماران را بخود دهد. تنها مکانیسمی که در دنیا "دهکده" یا برج است و خوبی کار میکند، همچنان کارکنند از انسانیت است. کار در کارگاههای خیاطی و کفالتی و... با دستمزدی بین ۱۷ تا ۳۵ تومان برای خود کفالتی مادی بیماران! زندگی در اتاقهای سرد، خوابیدن روی تخت های جویی بدون تن پوش و سرگردن با بیماریها و زخمی کشنده بدون کوچکترین معاینه و معالجه - حتی بطور سالانه - چیزی جز مرگ تدریجی نیست. اما بیماران و کمک به بیماران نیز در این مرگ تدریجی با بیماران شریک اند. آنها که روزانه ساعت از زندگی شان را در این انبوه کفالت و فلاکت میگذرانند، بدون کوچکترین مزایایی نیست به بیماران و کمک به بیماران بیمارستان های عادی، با حقوقی معادل ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان و با تلاش فراوان برای حفظ عقل و شعور خود. پس این بازی تلخ و فاجعه اجتماعی را طرد و آنچه از حس نودوستی اش باقی است نشان را بین ما خانه های از دست رفته خود می کشند. ♦



### گزارشی درباره طلاق و قوانین مربوط به آن

شبهه شده توسط جمعی از دانش آموزان  
عزیز و محترم دبیرستان سعیدیه

قانون ما بدعا می منافع فردی و اجتماعی کلیه افراد عم زین و مردمانند آنکس خواسته های نا درست عده ای را در ازای نا بودی برخی دیگر تا من و تخمین نماید قانون یک وسیله انجام جویی نیست و نباید امتیازات غلط و وحشتناکی که به برخی واگذار می کند جنس را شوه و حق الکتون بگیرد. قانون نباید مردان حس و حسنگری و بی رحمی ایجاد کند و زنان بی سواد را فریاد اعمالی سماع آنرا نماید و با لگن. فسادیک ملت در عرق قوانین نهفته است و همین منظور برای روشن کردن شایعها با بدرفتوانین به مستحویراخت بنا بر این قوانین با بداملاط کرده. پس قوانینی با وجود داشته باشد که دفع اکثریت جامعه باشد. بنا شد افراد را ملزم به اجرای قوانین کرد بلکه قوانین با بدظوری باشد که افراد خود را مجری آن بدانند و یا کمالات میل و زینت قوانین را اجرا نمایند. اگر قانونی طبق خواسته مردم یک مملکت تنظیم شود مثلاً در مورد طلاق و ازدواج زن و مرد ما عتی می شود اما در مقابل هم و در مقابل قانون یکسان و برابر باشد. با سد دید چه چیزها می باعث طلاق و نا پایداری ازدواج می شود:

- ۱ - تفراقصا دی : طلاق در طبقات فقیر بیشتر از طبقات دیگر جامعه رواج دارد چون فضا را قضا می مردان تحت فشار قرار می دهد و او را به سر هم زدن زندگی خانوادگی مجبور می کند. ۲ - کم مالی زن و مرد : اگر زن و مرد درس کم باشند اما کارها بعد از اظافا شهوتشان بیشتر می شود مخصوص برای زنی که زیر سن بلوغ ازدواج کرده اند این

ازدواج در جامعه متداول است و مخصوص در روستاهای ایران. ۳ - بی فرزندی و کم فرزندی هم باعث نا پایداری خانواده می شود. ۴ - شهر



گرا بی ورشمنعت هم به زودتر متلاشی شدن خانواده ها کم می کند چون توقع بالا می رود انتظارات بیشتر می شود. ۵ - نا رضایتی های روحی و روانی هم دلیل طلاق است و یکی از بدیده های رشدناشین است. ۶ - ضعف قدرت جنسی در مرد و زن نیز یکی از عوامل طلاق است. ۷ - عدم ارزش فکری و اجتماعی در جامعه فلسفی امکان آرزو زن و مرد نیست به گذشته بیشتر است ولی ارزش فکری در پایداری زنا شویی نقش مهمی دارد زیرا تنها چیزی که برای طرفین عوض نمی شود طرز تفکر است. ۸ - نداشتن

شناخت کافی نسبت به یکدیگر در نتیجه روابط انسانی بین آنها ضعیف شده و زندگی شان مثلثی می شود. ۹ - حق مرد در داشتن بیشتر از یک همسر و ناسازی برابری بین همسران. زیرا هر چند توهر از نظر مادی بخوابد همسر او ایجا کند ولی از نظر عاطفی این عدالت برقرار نمی شود. طلاق در قانون مدنی ایران: (توضیح اینکه این قانون ما لیا پیش ما تصویب قانون حمایت خانواده ملتی گردید اکنون دریا به مورد استفاده و تا شید قرار گرفته).

ماده ۱۱۲۳: مرد می تواند در وقت که بخوابد هنر خود را طلاق دهد. ماده ۱۱۲۴: طلاق باید در حضور لاق لای و نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد.

لاحقاً قانونی دادگاه مدنی خاص: ماده ۳: حمایت دادگاه محدود می شود؛ ازدواج و طلاق و چگونگیهای فسخ نکاح و موضوعاتی که مربوط به مهر زن و نفقه و ولاد و سایر اشخاص واجب النفقه (و احضار).

طبق تبصره ۲ مواد ذلالت همان است که در قانون مدنی و احکام شرع مقرر گردیده ولی در مواردی که توهر به استناد ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی تقاضای طلاق میکنند دادگاه حسب آیه کریمه (ان فقمم لاق فی بینهما فایتموا حکما من الله و حکما من الله فان برید اطلاقاً یا اطلاقاً بوق الله بینهما ان الله کان علماً خبیراً) موضوع را بدو روی ارجاع می کند و در صورتیکه بین زوجین سازش حاصل نشود یا در طلاق به زوج (مرد) خواهد داد.

قانون حمایت خانواده ۱۵ بهمن ۱۳۵۳: ماده ۱۲: در کلیه مواردی که گویا می عدم مکان سازش مادر می شود دادگاه ترتیب نگهداری اطفال و میزان نفقه را با توجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین و مصلحت اطفال معین می کند و طبق قانون نگهداری اطفال تا مدت محدودی با مادر (پسر) مالکی - دختر ۷ سالگی) می باشد و پس از آن با پدر است و یا اینکه پدر از نظر جسمی و روانی سالم نباشد

ولی از نظر مالی خوب باشد یا اطفال به او داده می شود. ماده ۱۸: شوهر می تواند نسبت دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که مناسب معالجه خانوادگی یا حیثیت خود زن باشد منصف کند. ماده ۲۲: اگر مرد بعد از طلاق، به زن نفقه نپردازد و بدین جهت جنه ای از ما نایک سال محکوم می شود.

گزارشاتی در مورد طلاق از دادگاه حمایت خانواده:

■ مشخصات زن: مریه قوامی ۱۵ ساله به سواد اهل بافت آباد تهران.  
 ■ مشخصات مرد: عیسی با نایبی ۳۵ ساله کلاسی ۶ ابتدایی سواد دارد.

اختلاف بین این زن و شوهر ۲۰ سال میباشند. مدت ۷ ماه است که ازدواج کرده است و قبل از ازدواج آشنا بی آنها یکماه بوده است و توسط افراد امیل و عمه اش و اطهار نظر دیگران از ازدواج صورت گرفته. این مرد از نظر اخلاقی در وضع بسیار بدی قرار دارد و مرتباً زن خود را تشنگ میزند و تهمت های ناروا به او می بندد و هر چیزی منزل را نمیدهد و از نظر بهداشتی با ایشان از ابراد می گیرند چرا به حان میروند و به خودت می رسی و حق بدبا را بدروما در خود را نداد و مدتی است که با طرفین عوا مل به دادگاه می رود تا بلکه تکلیف خود را روشن کند ولی مرد خانم عرضی شود میگوید که طلاق نمیدهد و دختر بیچاره را در تنگنا قرار داد و دختر میگوید که حق را میخواهد بگیرم خلاصه هر دو تنگنا بی را به دادگاه تسلیم کرده اند

مریم قوامی طبق نظر خود مدد طلاق بگیرد اما شوهر خانم نسبت و زمانی که به دادگاه اطفال می شود مرد در دادگاه مقابل چشم و کبیل و رشک دادگاه بد خانم حمله میکند و گوی او را بیشتر در وقتنی که با اهلانت دیگران روبرو میشود فوراً فرار میکند و از دادگاه می گریزد و دادگاه حکم گرفتن او را ابلاغ می کند و تحت تعقیب قرار می دهد. عیسی با نایبی طبق اطهار به که به دادگاه می دهد نوشته

گزارشی دربارۀ طلاق و قوانین مربوط به آن  
 زن مستاجر هستند و چند همرا را تومان خرج کردند اگر ما بل نبودیم (خطاب به همسر خود) ما سن زندگی کنی چرا قبول کردی عروسی کنیم با ما این اطهار را به ما نوا بلای می شود چنانچه ۲۸ ساعت دیگر پس از زویت این اطهار را به ما گریه خانه و کانا نام برنگردی هیچگونه حقن در مهریه، نفقه و خرجی را نداد و هر قدر خسارت دیدم به عیبه خود شما خواهد بود و من از تحریک کنندگان نتگنا نت خواهم کرد  
 ■ دومری دیگری به علت اینکه مرد، زن دومی را گرفت و زن اول خیرنداشته تا اینکه مسئله چندزنی و تعدد زوجات مطرح شده و در دادگاه و تلویزیون و مطبوعات سرو صدای ایجا کرد و بعد

## طرح ترافیک و ادامه آن

ما حسین داران بیچاره بود که از طریق مبارکرتی امرای رعایت میکنند. سیر حال این طرح مترقی هنگامی میخواستند شکل دائمی به خود بگیرد که ما طرحی دیگری برای حل مسئله میگاری و افرا پس و نا مثل نقلیه عمومی و تبدیل کارخانه های موتور از نومیسل به کارخانه های تولیدی و... همزاره بود. بیا شدن این طرح که در رابطه با ما است رفاه اکثریت جامعه میآید، می تواند به گامی هر چند کوچک در جهت پیش بردن مبارزه ضد امپریالیستی تبدیل شود

طرح ترافیک در همه سطح (۴ تا ۹ طبقه) که در حال تکمیل است (که در حال حاضر متوقف است) در خیابان ها توانست مسئله راه اندازی های طولانی و آلودگی هوا را در شهر حل نموده تهران مطور بومنی حل کند. مردم رحمتگی که ما به آن روزی آنها رو رفت خود را بیگنا می رفت و آسوده محل کار. خسته و فرسوده در پشت ماشین های می گذاردند، در چند روز سیخ بیشتر از پیش پی بردند که چه شکمهای را تحمل نمیکردند. آسوی دیگر شهر تهران را تا همدان متراعات با سختی از

## مرگ بر امپریالیسم جهانی بسروردگی امپریالیسم آمریکا و وابستگی

# مبارزه رهاغی بخش در زیمبابوه

## مقدمه

مقود و اضلال حاکمیت استعماری برتقال در آفریقای جنوبی آهنگ مبارزه، برای رهاغی تمام آفریقای جنوبی علیه سفیدپوستان، تسریع کرده است. تنها کشورهایی که هنوز زیر سلطه سیاسی حکومت های غربی ناسونی اقلیت سفیدتبار دارند، زیمبابوه (رودزیا)، آفریقای جنوبی (جنوبی و ناسونی)، آفریقای جنوب غربی) هستند. این حکومت ها نیز تحت حمایت نیروی نظامی ایالات متحده و ناترمی باشند.

طولانی ترین مرز زیمبابوه تا قبل از آزادی موزامبیک، با حکومتی همچو رودزیا هم مرز است. نژادپرستان این استعمار و استعمار دوستانه داشت. امروزه تمام زیمبابوه بجز قسمت کوچکی - که با آفریقای جنوبی هم مرز است - در حاله کشورهای مستقلی که تحت حاکمیت سیا هیوستا ن قرار دارند، به انزوا کشیده شده است.

در این مقاله سه دهه ن از رزمندگان راه آزادی آفریقای جنوبی از رهاغی زیمبابوه (زائلا) که با زوری مسلح اتحادیه ملی آفریقای زیمبابوه (زائلو) می باشد، زندگی مبارزاتی خود را شرح می دهند. در حال حاضر "زائلا" قوی ترین نیروی نظامی را

در میان رزمندگان آزادی در زیمبابوه تشکیل می دهد. در ماه های اخیر ما زین موفق شدند تا سی مایلی نالیسوری، پایتخت اسمیت پیروی کنند. رسته زنان "زائلا"

در سال ۱۹۷۲ هنگامی که "زائلا" راه مبارزه در زیمبابوه را اقلیت سفیدتبار را رد، زیمبابوه را بر روی زندگی من و دوگانه همراز می برد. "زائلا" کشورانه در مناطق شمال شرقی زیمبابوه ریشه دوانید. دوباره مدیده زانی در دل همه شعله ور شد. اخبار چون آتش سرکشی به روستا ها سرایت کرد. "زائلا" آزاد شدند مردم محروم و استعمار شده و در هم شکستن سرمایه داری سخن می گفت. پولی نکندیکه اندیشه می پوستان به "زائلا" در من راه یافت. مشکل عمده ما یافتن "زائلا" بود بی تردید "زائلا" در زیمبابوه حضور داشت اما در آن مراحل اولیه یافتن "زائلا" مخفی شما زیم کوشش فراوان داشت. به حال ما گذشت زمان "زائلا" مخفی کم کم غلنی شد و با یگان دروا حسی شمال شرقی چون متعلق شما، ما زو، متوکو، مروا، سیمدورا، ام، ت، داروین، سنتناری و سیمبولیلو، متخنی شرکتید.

از این رومن دوست دخترم

ما رزده رهاغی بخش در زیمبابوه

اصطلاح منتهی نگرانی به خود راه نمی دادند. ما در "زائلا" پذیرفته شدم و بدینسان روستا های دیرین و طولانی ما تحقق یافت.

سرخلاف میل ما، رفقا چندان علاقه ای به آموختن کار با سلاح به ما نداشتند. آنها پیش از آنکه به شما بی ما جنگ با بوئرها بیا به جان منی سابقه ما نسبت به سلاح، توجه کنند، به شنیدن حرفهای ما علاقه نشان می دادند.

به این ترتیب ده هفته به تجربه و تحلیل علل خشم ما نسبت به بوئرها و دلایل اولویت درک سیاسی بر عمل نظامی اختصاص یافت. پس از آموزش سیاسی، رفقا کتیک های جنگ چریکی را به ما نشان دادند.

این خود، جذاب ترین بخش تعلیمات ما بود. از آنجا که ما بعنوان زن از توانائی انجام

وظیفی که در دهکده ما از مردان انتظار میرفت، احساس غرور منکریم، از این بخش تعلیمات بیشترین لذت را بردیم.

قطعه زمین کوچکی برای تمرین طرز استفاده از سلاح و کتیکهای جنگ چریکی برای ما در نظر گرفته شد. رفقای مرد برای تمرین دو شلوار به ما قرض دادند. اینکه ما به شما بی ما جنگ با بوئرها بیا به جان منی سابقه ما نسبت به سلاح، توجه کنند، به شنیدن حرفهای ما علاقه نشان می دادند.

به این ترتیب ده هفته به تجربه و تحلیل علل خشم ما نسبت به بوئرها و دلایل اولویت درک سیاسی بر عمل نظامی اختصاص یافت. پس از آموزش سیاسی، رفقا کتیک های جنگ چریکی را به ما نشان دادند.

این خود، جذاب ترین بخش تعلیمات ما بود. از آنجا که ما بعنوان زن از توانائی انجام

عمل نظامی اختصاص یافت. پس از آموزش سیاسی، رفقا کتیک های جنگ چریکی را به ما نشان دادند.

این خود، جذاب ترین بخش تعلیمات ما بود. از آنجا که ما بعنوان زن از توانائی انجام

عمل نظامی اختصاص یافت. پس از آموزش سیاسی، رفقا کتیک های جنگ چریکی را به ما نشان دادند.

این خود، جذاب ترین بخش تعلیمات ما بود. از آنجا که ما بعنوان زن از توانائی انجام

عمل نظامی اختصاص یافت. پس از آموزش سیاسی، رفقا کتیک های جنگ چریکی را به ما نشان دادند.



تفنگ تنها سلاحی است برای کشتن سربازان فاشیست یا ناسیونالیست. ریشه کن کردن تبعیضات نژادی، سرمایه داری و استعمار در زیمبابوه سلاح به کسی داده میشود که درک کاملی از هیوستا ن داشته باشد. چنین شخصی سزاوار عنوان سرباز خلق می باشد.

ما روزی این نکته را بهتر درک کردیم که جز دسته ای از رفقای مرد و زنان با هم نماندیم که در تصرف دشمن بود، به او شبخون بزنیم. هنگامیکه سربازان دست

نشانده دشمن به آتش ما جواب گفتند، گلوله ها با ما صفرگشان از کنار گوش می گذشتند. تنها کاری که می بایست می کردیم این بود که با زور اسلح خودکار ما مستقیما بسوی جهتی که دشمن قرار داشت، آتش کنیم. خوشبختانه

چند دقیقه پس از شروع حمله شدید و دسته جمعی ما دشمن تسلیم شد. پس از آن بود که من با طریقه استفاده از سلاح آمیخته شدم

بقیه در صفحه ۲۶



# گزارش روز جهانی زن

گزارشی از مراسم "اتحاد ملی زنان" به مناسبت بزرگداشت روز ۸ مارس (۱۸ اسفند) روز جهانی زن

"اتحاد ملی زنان" به مناسبت بزرگداشت روز جهانی زن، به مدت سه روزی در پیوسته (برنا مه های مختلفی برگزار کرد. در دو روز اول (۱۶ و ۱۷ اسفند ماه) برنا مه نمایش فیلم و نمایشگاه عکس در دانشگاه ادبیات و دانشگاه تهران برگزار شد. در این دور، دو فیلم "حرف بسزن بترکمن" و "زنان و پستان" به نمایش گذاشته شد. نمایشگاه عکس نیز در بزرگترین صحنه های از زندگی و مبارزات زنان زحمتمکن شهروندان در ایران و همچنین صحنه های از مبارزات زنان در سرگونی رژیم منفرجه پهلوی بود.

و اما سومین روز برنا مه (۱۸ اسفند) در چند بخش در آملی نشا ترده تشکیل افتاد (ادبیتشگاه تهران) برگزار شده و با استقبال بی نظیری روبه رو شد. این برنا مه با پیام "اتحاد ملی زنان" به مناسبت تاریخچه روز ۸ مارس (روز جهانی زن) آغاز شده و با ارتکوب کردن سیاست های خائنه رژیم منفرجه پهلوی در مورد زنان به لزوم شرکت آنان در جنبش ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ایران آغاز و مربوطیت تاکسونو اثر رهند. از طرفی رهائی زنان را جدا از رهائی زحمتمکنان زن دانسته و تاکید کرده که زنان زحمتمکنان ما هرگز از رهخواهند اراده کرده که در این مقطع از مبارزات ضد امپریالیستی، پایگاههای املی امپریالیسم سبب احراق این مبارزات از مسیر املی آن نباشند. در بخشی دیگر از این پیام تاکید شده است که ما رهروان زحمتمکنان و

آزادخواه ایران جدا از سایر رهروان رژیم شده و ستم دیده دیگر کشورها تحت سلطه امپریالیسم (فلسطین، عمان، اریتره، شیلی، آرژانتین و غیره) نمی باشد.

بخش دوم برنا مه با دعای رطلها ادامه پیدا کرد و نور و سیر ما نه چنان رشید خلق ترکمن محکوم شد. زنی از خلق کرد نیز سخنانی در رابطه با خواسته های برخی خلق کرد و بخش زنان کرد در برنا مه از عنوان کرد.

سخنرانی اتحاد ملی زنان در باره انتخابات بخش بعدی برنا مه بود که در این سخنرانی دلایل پشتیبانی ازگان نددیدی "ازمان مجاهدین خلق ایران"، "ازمان چریکی فدائی خلق ایران" "ازمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر" و "راه کارگر" ارائه شد. خلاصه ای از این دلایل را

می توانیم در پشتیبانی از برنا مه ای که می تواند قیام پر طغیان ۱۳۵۷ را نداند و می بخشد یعنی مبارزه با طغیان نه سلطه امپریالیسم کاب استقلال کامل، تأمین رفاه، کار و سکن برای زحمتمکنان و همچنین تأمین آزادی و حقوق دموکراتیک، پشتیبانی از تشکیل شوراهای خود مختاری برای خلقها و این همه در کنار برابری زنان و مردان در شئون اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، متذکر شد

اتحاد ملی زنان برای ایراد سخنرانی انتخاباتی از سه گانه فدائی زن از "ازمان مجاهدین خلق ایران"، "ازمان چریکی فدائی خلق ایران" و "ازمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر" دعوت بعمل آورده بود. "ازمان مجاهدین خلق ایران" به این دعوت پاسخ مثبت نداد اما دو سازمان دیگران دعوت را پذیرفتند. از اینرو، رقیبه دانشگری (از

## بقیه گزارش روز جهانی زن

"ازمان چریکی فدائی خلق ایران" مهیای حیدرآباد (از "ازمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر") سخنانی در زمینه برنا مه انتخاباتی خود و مشکل زنان و برابری آنها در تمامی شئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایراد داشتند. در بخشی دیگر از این برنا مه، همسر یکی از شهدای مجاهدین با شهیدای به خون خفته خلق چندگانه ای با حاضرین گفت. سرودهایی که توسط گروه گزارش دادند و سخن دیگری از این برنا مه را تشکیل میداد.

در پایان جشن نیز پیام سازمانهای مختلف به "اتحاد ملی زنان" به مناسبت جشن روز ۸ مارس (۱۸ اسفند) و همچنین قطعنامه اتحاد ملی زنان به مناسبت جشن روزی، خوانده شد که اساسی سازمانها و متمن قطعنامه ولست کاندیدا های "اتحاد ملی زنان" را بلامتن آوریم:

- کانون زندانیان سیاسی
- کانون مستقل معلمان
- سازمان ملی پرستاران و صهیاران
- گروهی از زنان در زمین
- سازمان دانشجویان پیشگام
- زنان پیشرو و سردمداران
- کانون نویسندگان
- گروهی از زنان کاتولیک
- دانشجویان پیشگام پرستاری
- گروهی از دانش آموزان دبیرستان مستعد منطقه پل سیما
- گروهی از دانش آموزان دبیرستان آزادگان منطقه نیمه آبان
- پیام گروهی از معلمان دبیرستان مولوی
- گروهی از کارکنان زن بانک تهران

بشن کا مل قطعنامه "اتحاد ملی زنان" به مناسبت بزرگداشت روز جهانی زن:

روز ۱۷ اسفند (۸ مارس) روز بین المللی زنان، روز همبستگی زنان جهان علیه امپریالیسم و استعمارگرایی باد.

از حدود ۷۰ سال پیش که روز ۸ مارس بنا بر زنان زحمتمکن و رزمنده ایگه علیه تبعیض، ناسربربری و با یمال ساختن حقوق زنان توسط هیئت های حاکمه جهان برنا مه های به مبارزه برخاستند. روز بین المللی زن نامیده شد. بزرگداشت آن برای زنان زحمتمکن و تحت ستم جهان بسادآور اهمیت شکل و نیروی اتحاد و همبستگی در مبارزه علیه ستم، ناسربربری، استعمار و استعمار است. "اتحاد ملی زنان" روز بین المللی نیرو بعنوان روز همبستگی زنان ایران با زنان مبارزه دیگر کشورهای تحت ستم جهان چون زنان رزمنده فلسطین، عمان، اریتره، شیلی و آرژانتین گرامی میدارد و با اعتقاد آنکه آزادی واقعی زنان در گرو آزادی تمام ستمگهان و خلق های ایران از قید استعمار و ناسربربری است، اعلام میدارد:

- ۱- در این مرحله خاص از تاریخ میهن ما که ستم بان خلق با بدرفتارها روزه ها هنگ و همه جانبه با امپریالیسم جهان خوار، سرگردگی امپریالیسم جهان کار آمریکا شود، ماکوشهای ارتجاعی ای را که برای گسستن پیوند مبارزات حق طلبانه زنان با مبارزات ضد امپریالیستی خلق صورت میگیرد، محکوم میسازیم و اعلام میداریم: زنان ایران، ندادم انقلاب، قطع هر نوع وابستگی نظامی، سیاسی، فرهنگی با امپریالیسم جهان خوار، افتوا و الغاء کلیه

**پیوسته باد مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران و مبارزات حق طلبانه زنان**

دنباله گزارش روزجهای زن

قراردادهای اسارت با وافتاء عناصر مردود و وابسته را کامی درجهت آزادی و برابری خود میداند.

۲ - گسترش و پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی خلقها. تنها در سه ماهه آزادیهای دموکراتیک در جامعه و تضمین حقوق دموکراتیک رحمتگسبان، خلقها، زنان و کلیه اقشار مردم میسر است. از همین روم مبارزه درجهت کسب حقوق و آزادیهای دموکراتیک را بخشی از مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزات حق طلبانه خود میشماریم.

۳ - ما کلیه تجار و زارات ارتجاعی و واپس گرایان را که طی یکسال گذشته نسبت بحقوق زنان صورت گرفته است محکوم میکنیم و علیه تبعیض، نابرابری و بیاعتمادی با بخش حقوق زنان در تمام زمینهها مبارزه خواهیم کرد.

۴ - ما اعتقاد داریم پیروزی مبارزات مردم مهن ما علیه امپریالیسم جهانی تنها با همکاری و همگامی کلیه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست میسر است.

۵ - در این مرحله سرنوشت ساز از تاریخ مهن ما، دور مرحله ای کردن انتضایات را اقتصاد امپریالیسم و انحصار طلبانه در راه محدودیت ساختن شرکت نیروهای آزادیخواه و ضد امپریالیستی در مجلس شورای ملی میدانیم و آنرا محکوم مینماییم.

گسترده با دهنکاری و همگامی نیروهای که در راه ایران آزادی و دموکراتیک مبارزه میکنند

"اتحاد ملی زنان" ضمن محکوم کردن طسرح دومرحله ای کردن انتضایات که توسطه ای برای مناعت از ورود کاندیداها ای مترقی و ضد امپریالیست به مجلس شورای ملی است، برای

هرچه فشرده تر کردن صفوف نیروهای ضد امپریالیست و دمکرات از کاندیداها ای زیر برای مجلس شورای ملی حمایت می کنیم:

- ۱ - عباس آگاه
- ۲ - مهدی ابریشمی
- ۳ - محمود احمدی
- ۴ - علی محمدشید
- ۵ - عباس داری
- ۶ - اشرف ربیعی
- ۷ - مسعود جوی
- ۸ - فاطمه رفائی
- ۹ - محمد سیدی کاغاسی
- ۱۰ - معصومه ثامناتی کبیری
- ۱۱ - مریم طالقانی
- ۱۲ - غزرا علوی طالقانی
- ۱۳ - مریم فخر عدنانلو
- ۱۴ - محید معینی
- ۱۵ - پرویز یعقوبی
- ۱۶ - منوچهر زارغانی
- ۱۷ - مستوره احمدزاده
- ۱۸ - رقیه دانشگری
- ۱۹ - مرتضی آلابوش
- ۲۰ - مظفری مدنی
- ۲۱ - هیبت الله فغاری
- ۲۲ - مهدی حاج قاضی تهرانی
- ۲۳ - خشم الله ربیعی
- ۲۴ - علی محمد فرخنده
- ۲۵ - سعید سلطانپور
- ۲۶ - لطف الله پژمان
- ۲۷ - علی افتخاری
- ۲۸ - مهی حیدرزاده
- ۲۹ - علی رفاسی آشتیانی
- ۳۰ - حسین احمدی روحانی

زندگی و اشعار پروین اعتصامی

ای رنجبر

تا نیکی جان کنند اندر آفتاب ای رنجبر  
 ریختن از بهر ناران از چهره آفتاب ای رنجبر  
 زین همه خوار که بمینی ز آفتاب و خاک و باد  
 چیست مزدت جز گوشت با عتاب ای رنجبر  
 از حقوق با بماند خویشتن کن پرستی  
 چند تن تری ز ره جان و عتاب ای رنجبر  
 جمله آتان را که چون زالوم کندت خون سبزی  
 و ندانن خون دست و پا نشی کفای ای رنجبر  
 دیوار خود پرستی را بگیر و حیسن کن  
 تا شود چهر حقیقت بی حجاب ای رنجبر  
 آنکه خود را پاک میداند ز هر آلودگی  
 میکند مراد رخواری چون شرابی ای رنجبر  
 گر که طفلان تویی تا مندشها باک نیست  
 خواه چه تنهوی میکندت هرب کفای ای رنجبر  
 گر چو غم را نخبیده است گردون روشنی  
 و نمخورد، میتابد مشب ماهتاب ای رنجبر  
 در خوردن اشامیرا تند و فرزندانشان  
 شوخه خوی فهم کردن از کتاف ای رنجبر  
 مردم آتاند که حکم و سیاست آکهنند  
 کارگر کارش غم است و اضطراب ای رنجبر  
 هر که بوشد جا مه نیکو بزرگ و لایق است  
 روتوشدها و طله داری بر لبانی ای رنجبر  
 جاها ت شوخ است و رویت تیره رنگ از گرد و خاک  
 از تومی با بست کردن اجتناب ای رنجبر  
 هر چه بنویسد حکام اندر این محضرو است  
 کس نخواهد بوختن زایشان حساب ای رنجبر

پروین اعتصامی در اسفند ۱۲۸۵ شمسی در تبریز متولد شد. ادبیات فارسی و عربی را نزد پدرش یوسف اعتصامی آموخت. او در ۱۳۰۳ از مدرسه دخترانه آمریکا شی تهرانی فارغ التحصیل شد و مدتی در همین مدرسه به تدریس پرداخت. در ۱۳۱۳ اردواج کرد و پس از یکسال از همسرش جدا شد و از آن پس تا پایان عمر یعنی ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ شمسی تنها زیست.

پروین، طبعاً غمگین و وجودت معنات کور و پسو گرای حاکم بر جا و معنی و تبعیضات موجود نسبت به زنان، با ظرافت باطن مناسب زندگی خانوادگی موفق به تحصیل دانش و سرخورداری از امکانات آموزشی زمان خود گردید و با روح حساس و عاطفه سرشارش و با توجه به شرایط زمان به آگاهی اجتماعی دست یافت بطوریکه تقریباً کلیه اشعار او به بیان رنج و تشمت بوده های محروم و نگوشتن ظلم انضای و فرزندانش اختصاص دارد. با اینحال پروین را نمیتوان شاعری انقلابی دانست او در حقیقت تومسیدگر رنج و فقر بوده ها است. در این سروده های پروین تنها در معدودی از اشعارش رنجبران محرومان



را به گرفتن حق خود و برشمردن با خشن ستم فرا میخواند. بدون تک پروین بدلیل فقدان درک صحیح از شرایط حاکم بر جامعه ما نبود ما حتی با برابر بی ما تنها به تمویض شرایط سخت زندگی فقرا و محرومان پرداخته و اغنیا را به دستگیری از بنیادین میخواند. ما اینحال تا بدخود بپیروزه درک نمیکرده که ما نصیحت و موعظه میاد و آوری رنج محرومان نمیتوان بهره‌رکشان و ستمگران را به ترک ستمگری مجبور ساخت. لیکن از آنرو که راه ریشه‌کن ساختن اساس ستم و سپهرکشی را نمیدانسته محرومان و فقرا راه صبر و تحمل و تشکیلاتی فرا میخواند و از آرزوی دنیا، ضرورت رها کردن غلای دنیوی و حفظ آزادی روح سخن بسیار میگوید.

و یادبودن بیان سخت مورد ستم‌ها همه مردم فرار داشته است.

روزی گذشت یادش می‌آید که روزی با دلق سرسره‌رکوی و با مفاست پیروزان میان ما نیکی کودک ششم کان نامیک چیست که برناچ‌پاداش است آن یک جواب داد ده‌دما نیم ما که چیست پیداست آنقدر که متاعی گرانبهاست نزدیک رفت پیروزی گوزینت و گفت این‌ک دیده من و خون دل شما است ما را به رخت و چوب شما نمی فریفته است این‌گرگ سالهاست که ما گله‌آشناست آن پارما که ده‌دما اولمک. رهن است آن پاداشا که مال رعیت خود را، که است برقظه سرنگ بشیمان نظاره کن تا بنگری که روشنی گوهرا از کجاست پیروین، به گجروان سخن از راستی جسد کواتچنان کسی که نریخند حرف راست



**قصه‌های مازره دهائی بخت...**

غذا می بختم. به گوات مامورین باش درده که به ما میدادند تا از راه کارهای نظای می بوشرها را شناسائی کنیم. اگرچه این وظایف بعضی اوقات طاقت فرسا و خسته‌کننده بودند، لیکن ما از عملیات خود بی نهایت لذت می بردیم و همیشه از اینکه هرزمانی که میتوانستیم و میخواستیم به بوشرها حملات میگردیدیم و از حمایت بی دریغ توده‌ها نیز برخوردار بودیم. غرق در آرامش می شدیم. از آن زمان تا بحال رفقای زن بیشتر به ما ملحق شده اند و این خود موجب گسترش رسته ما شده است. اینک

شدم. با تو بوشر را می کشی با او ترا می کشد. با کسب تجربه بیشتر در "زنان" نسبت به عقاید بدو وظایف رهائی بشمان آگاه تر شدیم. در اجتماع جدید "زنان" ما با عنوان موجودی برابر رفتار میشد. ما هان و وظایف با معده داشتیم که رفقای مرد هم انجام می دادند. با سازی میدادیم و وسائل جنگی را حمل میکردیم. محافظت از یکاها هم ما را بعهده داشتیم و ما بر ما نه نوبت

**دومیتیلای سخن میگوید**

نویسنده: مه‌موزار

یک کمک هزینه‌ها خوا دنگی هم‌دا ریم که ۳۲۷ پرواست علاوه بیوی‌اماده هزینه زندگی که دولت بخا ترکاشن ارزش پول می پیدا زد و کمی پیش از ۱۳۵۱ پرو در ماه است. اصافه دستمزدی هم برای کارشانه وجود

دا در. همه این‌ها را که ما هم جمع کنیم شوهرم در ماه ۱۵۰ تا ۱۶۰ پرو در می آورد. اما چون مقداری از آن را شرکت برای صندوق بیمه‌های اجتماعی، خوا ربار، ساختمان مدارس و چیزهای دیگر کسر میکنند ما هرگز تمام این پول را چشم نمی بینیم. او گاهی ۷۰۰ پرو کاهی هم ۵۰۰ پرو میگرد. بعضی وقتها هم خرما به شرکت بدهکار میشویم. و اینطوری خانواده من با ۹ سورا شله‌با دنیا این پول سر کنند. با اینحال کارگرانی هستند که وضعشان حتی از این هم بدتر است.

یک دفعه یکی از رهبران ما، مرد بزرگی که گفته‌اند، خیلی ساده ملل این وضع را برای ما توضیح داد. او گفت: "رفقا، در مازره کارگر سگلو ۲۵ هر ماه ۵۰۰ تا ۶۰۰ تن فلج تولید می کنند. و یک وره که آمدند برداشت و دادند به ما: "همان برفه آن چیزی است که ما تولید میکنیم این تمام پولی است که هر ماهی تولید می کنیم. خوب، چلتوری توزیع شده؟"

بعد کارها را به پنج قطعه سازی تقسیم کرد و گفت از این پنج سورا

راحتی داریم. و وقتی از معدنیان حرف میزنند حتی می گویند که ما سکن را بگن. آب آنها میدانی سوزش را بگن. سرق را بگن. آموزش را بگن. خوا را را بگن و چیزهای دیگری در اختیار داریم. اما اجازه بدهید هر کسی که میخواهد به سگلو ۲۵ بیاید، آسودت و اقمیت را با چشم خودشان خواهند دید: وضع سکن و خشتها است. تازه به کسی هم واگذار نشده، فقط موقتاً واگذار شده است: آب هم در تلمه‌های عمومی است: حمامها عمومی‌اند، تنها درسا ما می‌که شرکت مقرر کرده برفه داریم هزینه تحصیل خیلی سنگین است چون باید و اینفورم اولو را مدرسه و خیلی چیزهای دیگر را بخریم. و خوا ربار از آن هم قسمتی اردنست

به جز این چیزهای دیگر خیلی کم تولید می شوند. اما ما لایبی هم هست که دهقانان به زحمت چیزی تولید می کنند حتی بزای را که کاشته‌اند، بزوات نمی‌کنند. در چنین شرایطی تمام ما را نوا ده روانه شهرها میخواند به معادن روی می آورد. و خوب، وقتیکه به اینجا می آیند ما همان شرایطی را برومی‌شویم که برایشان تعریف کردیم.

التمه تبلیغات دولتی این طور ا نمود می‌کنند که ما را سدیگی

"دومیتیلای سخن میگوید" داستان زندگی معدنیان بولویو، رنجها و مبارزات آنهاست. گویند که داستان "دومیتیلای زن یک معدنی، مادر دخت فرزند و رهبر زنان مبارز (کاواوی) است که از آنرو که زندگیش با زندگی مودش که برای آزادی خود می‌جنگد در ارتباط است از داستانهای شخصی نمی‌داند.

تنگر این نکته ضروری است که کتاب در دست ترجمه است و بزودی متن کامل آن چاپ خواهد رسید.

تنگر این نکته ضروری است که کتاب در دست ترجمه است و بزودی متن کامل آن چاپ خواهد رسید.



دنیاله دو میستلا...

متحد همه می برند ، چون آنها با  
 متواضع و سیر می را با تولید کنند  
 که کشورهای دیگر ، حتی بولیوی ،  
 بعد آنها را به قیمت های بسیار  
 زیاد ای را با لات متحده میخرند ،  
 علی رغم همه این ها ، سرمایه دار  
 یک بار دیگر تفریما نمی آرایس  
 که بچشم سود را که سهم ما بوده است  
 از جنگمان در می آورد .  
 بعد ، دولت بکنار دیگر سراز  
 سعه ای که ما فی ما نده ، قسمتی  
 را به اسم مادی خودش و برای  
 گروه های زیر سر میسازد : برای  
 نیروهای مسلح ، برای حقوق وررا  
 و هزینه های ما فرتیما تا آن که  
 خارج آت آن من پولیسا را در  
 شهرهای خارجی سرمایه با گذاری  
 می کنند تا وقتیکه از قدرت  
 می افتند متواضع ندیده بولان  
 منلیونترها ای جدید ، با پولی که  
 قبلا آنها گذاشته اند به کشورهای  
 دیگر بریند .  
 و بخش دیگری آرایس سود به  
 مصرف دستگا های سزوب ، ارض  
 اداره تحقیقات جناشی و کارگاهی  
 میرسد .  
 آرایس مقدار ناچیزی که ما فی  
 میماند دولت مقدار دیگری برای  
 نیمه های اجتماعی ، بهداشت ،  
 بیمه رستان ها ، پرداخت برقی که  
 مردم مصرف میکنند بر می دارد . بعد  
 آرایس مقدار ناچیز دیگری برای  
 تامین خورا بار از رزان مصرف  
 میشوند معدنچیان را خوشحال و  
 رامی نگه دارند . آن ها میخواهند  
 ما با ورت کنیم درسا به لطف دولت

جها ر قلم جنس با قیمت ثابت داریم  
 نان ، گوشت ، برنج ، تنگ سرو  
 میگویند با این لطف دولت همه ای  
 است که ما داده میشود . اما دولت  
 آرایس را با حاد می آورد ، از چیزی  
 که ما تولید میکنیم ، درست است ؟  
 آرایس قسمت کوچکی که ما فی  
 ما نده ، آنها مقداری هم برای  
 تا من لوازم کارگران مثل سیال  
 و کفش بر می دارند .  
 علاوه چیزی هم برای زنان خود  
 و رزان و زورا بر میسازند تا دروز  
 ما درسا کریسمس آنها هدیه  
 دهد .  
 و به این ترتیب آنها  
 بر می دارند و همچنان بر میسازند ،  
 و نگاه کنند ارضا میونی که قطع  
 می آورد ، بعد از اینکه برای خیلی  
 چیزها اتر ا مصرف کردند ، فقط  
 یک ذره می ماند ، یک ذره برای  
 دستمزد همه را کارگر که قطع را  
 استخراج کرده اند . و تقریبا  
 بدون اینکه چیزی ما نده ما ندیده  
 آخر میسریم ، می بینند ؟  
 این ترتیبی بود که آن رهبر  
 فضا را برای ما تشریح کرد .  
 یک بار دیگر فرانسوی که دعوت  
 داشتیم فرست پیدا کردیم این گفته  
 ها را شکر ارت کنیم ، گمان می کنم  
 سال ۱۹۷۴ در آل تولد لاپار (۱) بود  
 در آن جا چند دوره آموزشی برای  
 بعضی از رفقای زن گذاشته بودند  
 این رفقا کسند را سون ما در آن (۲)  
 را تشکیل می دادند .

1- Guauqui  
 2- Williams Harvey

دنیاله دو میستلا...

چندتا جوان هم آنها بودند و  
 یک نطق خیلی مهم بودند . آنها  
 به نفع من می بردند و شروع  
 کردند در خبر رفتن درسا به ما بیل  
 اقتصادی مملکت برای زنان .  
 درسا را اینکه چندرا از مملکت  
 خارج میشود ، و درسا را اینکه  
 شروت در بولیوی بطور توریس  
 کشته است .  
 اما زنان زیادی بودند که نه  
 خواندن میسازند و نه نوشتن  
 و متوجه مسئله هستند . زن  
 بیچاره ای با جاهای در بیگانه  
 شوکت "مرد جوان ، یک عالم  
 عدد و رقم نوشتی که ما اطلاع بدیم  
 تو اطلاع درسا را از موتن (۳) احرسی  
 نژدی ... چه سوال موتن آمده  
 دولت با آن چه میکند ، میسرم  
 وقتی از رطام برگشت گفت درنگا  
 آهن هست . گفت با آهن موتن  
 و ما بیل حمل و نقل درست کرد . پس  
 چرا دولت بجای اینکه آل موتن  
 را به خارجی ما بدهد ، کارخانه ای  
 نمی زند تا ما بدیجه های ما  
 بیوانند کار پیدا کنند ؟"  
 خوب ، من حتی با همان یک  
 ذره سود میتوانم چشم چیرهای را  
 که آن رفقای اندکگاهی میکنند  
 بفهمم . خواستما چیزهای را که  
 آرایس اعداد ارقا موری نخبه  
 فرامیده بودیم به رزان ما نده بگویم  
 بنابر این روگردیم به دوستانم  
 و مسائل را به رزان خودمان بیان  
 کردم . تقریبا همان طوری که آن  
 رهبر ما یاد داده بود .  
 زن ها خیلی عیبانی شدند و  
 گفتند شوهرانشان در این مورد  
 چیزی نمیدانند مگر ما بنگه بریند  
 به آنها بگویند که اقسا بولیوی  
 بطوری دست کاری شده . پرسیدند  
 "چرا آنها اینطور می کنند ؟" بعد  
 من جواب دادم : "این چیزی  
 است که ما یاد دولت بپرسید :  
 چرا آنها اینطور می کنند ؟"  
 من حالا فکر میکنم اگر مردم  
 قدرت را به دست می گرفتند این  
 طرز زندگی را عوض می کردند ، با  
 کارهای که ما میگردیم این اتفاق  
 نمی افتاد . ما حتی می توانستیم  
 بیشتر عمر کنیم . چون اولین  
 کار که ما میکردیم سر ما ما دادن  
 به اوضاع معدن بود ، مثلا خرید  
 ما بشیر آلات جدید که آنها بشیر  
 میتوانستیم کار کنیم ، با مشتاق  
 کردن وضع شعبه و کاهش فرسایش  
 جسمی شوهرانمان . به خصوص  
 فکر میکنم که شوهرهای ما نیا بدینا  
 این وضع متغی معدن هلاک شوند .  
 آدم میسوزان تا وقتی که دیگر  
 حتی نتواند یک بیل با کلتگی را  
 بلند کند ، ثوی معدن بسوزد . و  
 فقط در این موقع است که حق دارد  
 با زشت شود و دستمتری نا چیزی  
 بگیرد . قتل آرایس یک شاهی هم  
 به کسی نمیدهند .  
 از طرف دیگر اگر دولت  
 سرمایه انسانی خود توجه داشت



اولین کاری که می باست انجام  
 میداد روزی که ما سر قدرت  
 با شیم انجام خواهد داد . این  
 بود که تصویب کنند که هیچ معدنچی ای  
 بیشتر از سه سال در داخل معدن  
 کار نکنند . و در همان وقت که در  
 معدن کار میکنند ، شرکت مجبور  
 باشد که به آ آموزش های بدهد تا  
 بعد از سه سال که از معدن بیرون  
 می آید ، بتواند شغل دیگری  
 بگیرد . مثلا نجار یا کاشن خوبی  
 شود . او با بد عمل دیگری هم  
 کارهای که ما میگردیم این اتفاق  
 نمی افتاد . ما حتی می توانستیم  
 کسب و کاریه عمرش را در معدن  
 گذارند .  
 خوب ، بعد از همه این ها ، اگر  
 ما به وضعی که در آن هستیم ادامه  
 دهیم ... پس چه وقت یک جا معه  
 سالم خواهیم داشت ؟ و اگر فرسار  
 با بد مردم را همچنان متسلسل  
 ما غنیمت ای انسانی که مجبورند  
 فقط تولید کنند و تولید کنند  
 و بعد میسوزند ، تربیت کنیم و وقتی  
 مردند ما آنها را نیروی دیگری  
 که منظر ناخام دیگری است  
 بگیرند ، که آنها هم به توبه خود  
 با بدکنار روند . . . . . بله سرمایه  
 انسانی این طورا زمان میسرود ،  
 و این میسوزن چیزی است که یک  
 جا معه دارد . به نظر شما اینطور  
 نیست ؟  
 زن یک معدنچی روز را چگونه  
 میگذراند ؟  
 ←  
 1- Alto De La Paz  
 2- Federation of Mothers  
 3- El Mutun

دولت و فعالیتها.....

بفروشند، وضع ما بد همینطوری باشد که اکنون هست. بنا بر این در تمام مدتی که در آمد نسبتا مغفروست، نوبت مفی فروشگاه هم برای خریدار بنامه ام وقتی که به پیشخوان میروم که جنسی هارا تحویل بگیرم بجهه ما مشغول فروش میشوند. و بعد بجهه ما نوبت مفی می آیدستند من مشغول فروش می شوم، ایسن طرز کار ما ست.

از صد تا لنتا که درست میکنم به طور متوسط روزی ۲۰ پیرو استناد می کنم، البته اگر در یک روز هر صد تا را بفروشم ۵۰ پیرو استفاده میمیرم، اما ممکن است روزی ۳۰ تا بفروشم و ضرر بدهم، برای این است که به نوبت می فروزم متوسط روزی بیست پیرو استفاده دارم، تازه من خوش تا شتم چون مردم مرا می شناسند و از من خرید میکنند، در حالیکه بعضی از دوستان زن من فقط ۵ تا ۱۰ پیرو استفاده می کنند.

چیزی که من و شوهرم با هم بدست میآوریم، خرج خورد و خوراک و یونتا گمان میشود. مواد غذایی خیلی گران است: یک کیلو گوشت ۲۸ پیرو، هویج ۴ پیرو، پیاز ۶ پیرو... با توجه به این که شوهر من روزی ۲۸ پیرو دستمزد میگیرد، این درآمد منی کفاف میدهد، اینطور نیست؟

یونتا که حتی از آن هم گران تر است. بنا بر این من سعی میکنم تا آنجا که میتوانم خودم لنتا س بدوزم با نام. ما اطلاع نمیتوانیم

بفروشند، وضع ما بد همینطوری باشد که اکنون هست. بنا بر این در تمام مدتی که در آمد نسبتا مغفروست، نوبت مفی فروشگاه هم برای خریدار بنامه ام وقتی که به پیشخوان میروم که جنسی هارا تحویل بگیرم بجهه ما مشغول فروش میشوند. و بعد بجهه ما نوبت مفی می آیدستند من مشغول فروش می شوم، ایسن طرز کار ما ست.

از صد تا لنتا که درست میکنم به طور متوسط روزی ۲۰ پیرو استناد می کنم، البته اگر در یک روز هر صد تا را بفروشم ۵۰ پیرو استفاده میمیرم، اما ممکن است روزی ۳۰ تا بفروشم و ضرر بدهم، برای این است که به نوبت می فروزم متوسط روزی بیست پیرو استفاده دارم، تازه من خوش تا شتم چون مردم مرا می شناسند و از من خرید میکنند، در حالیکه بعضی از دوستان زن من فقط ۵ تا ۱۰ پیرو استفاده می کنند.

چیزی که من و شوهرم با هم بدست میآوریم، خرج خورد و خوراک و یونتا گمان میشود. مواد غذایی خیلی گران است: یک کیلو گوشت ۲۸ پیرو، هویج ۴ پیرو، پیاز ۶ پیرو... با توجه به این که شوهر من روزی ۲۸ پیرو دستمزد میگیرد، این درآمد منی کفاف میدهد، اینطور نیست؟

یونتا که حتی از آن هم گران تر است. بنا بر این من سعی میکنم تا آنجا که میتوانم خودم لنتا س بدوزم با نام. ما اطلاع نمیتوانیم

1- Bundle  
2- Housewives, Committee.

بقیه کارها با بدنت انجام شود. بجهه یک عالم تکلیف دارم مدرسه برسی کردند. و همه اس تکالیف را انجام میدهند بوی یک صندلی پاک حمصه. بعضی وقتها که همه بجهه تکلیفها دارند. یکی از آن ها مشورتا روی سینی ای که روی تخت میگذارد مگا رکند.

وقتی که شوهرم صبح کار است، ساعت ده تنی خوابید، بجهه هم همینطور. وقتی که بعد از ظهر کار میکنند بیشتر شب را بیرون است، وقتی که شب کار است، روز بعد برسی میگردد، خوب؟ پس من مجبور خودم را با این برنامه جور کنم.

سپور کلی ما نمیتوانیم روزی کمک شخص دیگری خارج از خانه حساب کنیم. چیزی که مردخانه درمی آورد خیلی کم است و ما

واقعا همگی باید کمک کنیم. مثل سالنها درست کردن من. بعضی از زنهارا از ما فندگی، بعضیها با دوختن لباس و بعضی باقالیماهی میگویند. بعضی از زنهارا که کسک از دستشان بر نمیآید بوضع واقعا بدی دارند.

این به خاطر آن است که کاری وجود ندارد. نه تنها برای زنان بلکه برای مردان جوانی هم کار نظام بر میگردند بوضع همینطور است. نیگاری بجهه ای ما را بی مسئولیت کرده که ما را با هم باستانان خود منگی باشند. بیشتر آنها بدون اینکه تغذی داشته باشند از دواج میکنند، و بعد از نشان را به خانه بپروما درمی آورند.

این زندگی ما ست. این روزگار

ما ست، من معمولا نصف شب به رختخواب میروم فقط ۵ یا ۵ ساعت میخوابم. ما به این عادت کرده ایم.

خوب، من فکر میکنم همه آنها ثابت میکنند که چطور یک معدنچی دویا را استخراج میروشود. چون ما چنین مزدگمی زن مجبور است نوبت ما به خیلی بیشتر کار کنند. و این واقعا کار بدون اندی است که ما برای کار فرما انجام میدهم، این طور نیست؟

با استقامت معدنچی، آن ها نه تنها زن اورا بلکه بعضی وقتها حتی بجهه ما را هم استقامت میکنند. چون آنقدر کار نوبی خانه هست که حتی بجهه ای کوچک هم با سنگار کنند، مثلا با بدگوشت بخورد یا آب بنیاورند.

اذا معاداد

ترکمن صحرا، زمین و جنگ

آقای رئیس جمهور در تعلق خودتان در مشهد میفرمایند که زمین داران بزرگ نمایندگان ما داشته باشند، پول زمینها را به آنها خواهیم پرداخت. زمین زیاده است، به آنها هم خواهیم داد. مفهوم واقعی سخنان رئیس جمهور ما می درک و احساس میشود که بیایم وریم آقا بیان محترم زمینداران بزرگ چگونه این زمینها را بدست آورده اند و چگونه ما را بیایم بگریزانی بی قید و شرط کرده اند و حالا ما برای اینکه نگران زمین شدن خود ای نگورده به آنها ظلم نشود قرا را است زمین مدها دارند.

زحمتکاران ترکمن صحرا چنین اظهار نظرهای ضدو تقوی می آورند و زمینها را می کنند؟

اگر بنا بر زندگی و مبارزه خلق ترکمن

بقیه گزارش طلای...

ونگته ای دیگر که در اینجا مشاهده میشود ما در آن ناکاه بدون تحقیق در مورد کسی که در آینده می خواهد دخترشان را معرفی را بگذرانند اقدام به ازدواج این دومی کنند و صرفا از روی مطالبی که از این و آن شنیده اند دختران خود را به مردانی میسپرنند که بیای جان آنان محسوب می شود و دیگر اینکه در اکثر طلاقها به خاطر طرافاصله سنتی زیاده و بیسوادای مردان و ناپختگی شان در مورد زندگی کردن با زن آرزو بدون فقرا این اختلافات را پدید می آورد.



### گزارش سیل خوزستان

برزحمتگان خوزستان چه گذشت؟

دردیما سال گذشته، سیلی ویرانگر قسمت بزرگی از روستاها و اطراف شهرهای خوزستان را به زیر آب برد. قهر طبیعت، مصیبتی که همیشه بر حمتگان بی دفاع رادر خود می بلعد، اینبار مناطق حاشیه ای شهرها و روستاهای فقیرزده خوزستان را، بدون مقاومت در چنگ خود گرفت. خانه های خشتی روستائی ویران شدند و بر سر اهالی فرورفتند. زمین های اندک زراعتی و نخلستانها نیز زیر آب مدفون گشتند و روستائیان با ازدت دادن دامهاشان، نیمی از هشتی خود را تلف شده، یافتند. در خانه های نیمه ویران خانواده های ده نفری روستائیان با آنچه از وسایل و دامهاشان باقی مانده، یکجا زندگی می کنند. همانطور که انتظار می رود، سیل دست در ناظمی موثر افتاد که هیچ امکانی برای مقابله با آن وجود نداشته است. کپرتش های خرمشهر، خانه های جنوب شهر آبادان و روستاهای طعم آن گشتند. خرابیهایی که امروز در این مناطق می بینیم، از دست دیرینه ای حکایت میکند که سیل تنها چهره آنرا بر این ترک کرده است.

منطقه نفت خیز خوزستان که ثروت سرشاری را به افتخار دکتورانی داشته، فقیرترین و محرومترین مردمان رادر خود جای میدهد. ساکنان روستائیان خوزستانی از شدت فقر و بیکاری روانه کشورهای مجاور عربی شده اند و اندک درآمدی برای خانواده شان فراهم گشتند. قسمت وسیعی از زمینهای خوزستان به خاطر کمبود خاک و بی حاصل هستند و اهالی روستاها، عمدتاً از درآمد حاصل از نخلستانها امرا زما می کنند. در دهات مجاور آب، ماهیگیری نیز راه دیگری

### اخبار مربوط به زنان

چرا تن از کارکنان بیمارستان مدائن اخراج شدند؟

دردیما سال گذشته کارکنان بیمارستان مدائن که به خوبی به نقاط چرکین مستخدم درمانی جامعه ما آگاهی داشتند با الهام از زیروری مردم بر رژیم آریا مهربی و مبارزه با ویرانه سازی امپریالیستی، در زد و برداشت با بخششی از خواستهای بحق مردم ما رزمین را بر سر آورده سازند. آنان که سلطه پزشکیان تا جرئت بر بیمارستانها و سودجویی مشولین و روسای مراکز درمانی را عامل اصلی فساداتی سیستم درمانی و عدم کارایی آن در برابریهای اساسی اکثریت جامعه می دانستند، با تشکیل شورای اسلامی کارکنان و اداره امور بیمارستان توسط این شورا، با آنها مداران بیمارستان مدائن به مبارزه برخاستند. برخی از پزشکان سودجو که حاکمیت شورا را مغایر با منافع خود می دیدند، بیمارستان را ترک کردند و بسیاری از پزشکها با نام پندگدان داستانی انقلاب به نام مدائن حاکمیت خود را در منطقه به پیشروهای آریا مهربی به سرکوت کارکنان برداشتند. شورا بخاطر اعلامیه و انفرار کارکنان بیمارستان در تاریخ ۵۸/۱۱/۱ به زندان روانه شدند. پس از آن نیز به غیر از کارکنان راجع اخراج گردیدند. کارکنان اخراجی بیمارستان مدائن در قطعات ما همیما بی خود اهداف شورا را چنین اعلام میکنند:

- برانداختن شیوه ها و تفکرات دولتی و اعمال حاکمیت ارشاد.
- تحقق حاکمیت کارکنان بر سرپرست خویش.
- ارائه خدمات تا بسته و مناسب به بیماران و مراجهتین.

- بهبود وضع اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی کارکنان بیمارستان.  
در بیان قطعات ما این گروه خواستار قطع وابستگی های اقتصادی و سیاسی با امپریالیسم امریکا، استرداد اراضی بیکار و حاکمیت شوراها بر سرپرست مردم شده اند.  
ما ضمن حمایت از خواستهای بحق و مردمی کارکنان بیمارستان مدائن، اعلام می داریم آنها که در راه ایجاد حاکمیت شوراها و تعالی سنگ اندازی می کنند، خواهان انبساط گذشته بوده و در خدمت سلطه امپریالیسم در ایران می باشند.

#### تخصیص دانشجویان انستیتوسیمین

درا و خرمین ما دانشجویان انستیتوسیمین خواستار دگرگونی کامل نظام آموزشی و فرهنگی و کوتاه کردن دست سرما به داران آموزش و کثرت و اداره شوراها می شنیدند. دستاویز امکانات آموزشی را به نحوی یکسان در اختیار دانشجویان قرار دهند. متاسفانه تنها به خواستهای دانشجویان توجهی نشده بلکه به جمع و تخصیص آنها حمله و آنها را مغرور و دستگیر کرده اند.

دانشجویان در اعلامیه ای برخواست های خود وادانه مبارزه برای تحقق آن ها تاکید کرده اند. **اخراج دانشجویان مرکز تربیت معلم دختران**

درا و خرمین ما سال جاری عده ای از دانشجویان مرکز تربیت معلم دختران "تهران نو" اخراج شدند. این دانشجویان در اعلامیه ای که به این مناسبت منتشر کردند، علت اخراج خود را طرح خواسته های از قبیل "پرداخت کمک هزینه تحصیلی" و "خروج دانشجویان از دانشسرا در ساعات غیردرسی با تعهد اولیا" اعلام میکنند. در اعلامیه آمده است: "شورای فرمانی (ونه شورای انضباطی) در

در روستاها سو تغذیه پیدا میکند. چیه فرا و نند کودکان دوساله ای که غنا هم نمیبند. **تازه در شصت ۳۳**

تاریخ ۵۸/۱۰/۱ تشکیل گردید و بناها دلائل - اخراج ما را می دلیلی - مودی مؤدن و از این پس قیل دلائل مخک منوان کردند . . . سرانجام در آخرین روز که هفتاد و یک سالگی را در بافت کردیم و بر سر آموزش و پرورش آقای رجائی نظر کردیم و سرپرستی ما را در جمع ما حاضر شدند و از همان اول - حرف آخر را در دوپیس ارتا کسندیم اخراج ما مذکور شد که شورما سبب خود حق دخالست در مدیریت را ندارد و اگر در سطح می به شورما این حد قدرت داده شود . من تا آن نظام مسلحانه می حکم .

داستجویان در میان با اعلامیه خود مستذکر می شوند که ما آقای خوشنویسان مدبرکل آموزش و پرورش تهران و آقای موسوی نمانیده امام صحت کرده اند که نتیجه ای در بر نداشته است . ما با آرزوی موفقیت برای این دا استجویان و اعلام حمایت از حقوق صلی آنان استفاده از شیوه های سابق را در آموزش و پرورش مکتوم می کنیم . آنها که به ما نه این با آن عقیده و پیش دا استجویان را ارجح مسلم خود یعنی ادامه تحصیل نامیدارند . هندی جزا برگردانیدن نظام آموزشی سابق ندارند .

**گزارشی از وایماشی زنان ن کودتاشین**

پس از پیروزی قیام تیکوهند مردم ایران . کودتاشینان محروم و زخمی به منظور سبب خود بخشدین به وضعیت زندگی خود شورای اسکان را بوجود آوردند . اقدامات این شورای بلوم گنوسد امکانات و مواضعی که در سر راه داشته تا بحال موفق به تمت چند فشاری و اصلاحات بعضی از کوجه و تعمیر و نوسازی ساختمان ها و . . . شده است . کودتاشینان که امیدوار نبودند تا شکل در شورای اسکان ارتدگی منتقت با کودتاشینی نجات پانصد و هفتاد و نه های جدید مستقل شوسند اخیرا با کارکنانی هائی در کارنورا روبرو شده - اند - روز سه شنبه ۲۲ بهمن عده ای از اهالی که

اکثر آنان را زنان تشکیل می دادند به منظور اعتراض به این کارکنانیها نجات شورما و بعضی بطرف شهردا ری حرکت میکنند و بنا رگودنشینان کودتاشینان دشمن سرما به دار سرمد هسند . در شهردا ری ابتدا از پذیرش آنان خودداری میشود و با لایحه جمعیت داخل ساختمان راه می یابند . از کودتاشینان سه روز وقت برای رسیدگی کاشان مهلت میخواهند ولی در این سه روز نه تنها اقدامی انجام نمیشود بلکه تنها کوششهایی جهت تفرقه انداختن میان کودتاشینان صورت می گیرد . زنان کودتاشین که همواره با وعده و پویند مسئولین روبرو شده اند با بیگیری خواستار رسیدگی به وضعیت زندگیشان و ممانعت از نمانده های سرما به داران به نفع اهالی کودتاشین میباشد . آنها اعلام کرده اند که ما روزه را تا مین خواستهای برخی خود ادامه میدادند .

**بیه گزارش سبل خوزستان**

چهره زرد و استخوانی مادری که سینه چروکیده اش را به دهان کودکش می گذارد ، از مغز و محرومیت برسانده پس سرزمین زرخیز گفنگو میکند .

بهر حال آنچه که گروههای امداد در طول این مدت در خوزستان انجام داده اند ، مذاوای سطحی زخمی است که بر اثر سانحه بمب و مقتدر چرکین شده این زخم مرور با فرهاد . اینجا با اینجا ، دو سار سرما زمکند و ندا و ای اساسی آن دور نشین کردن تمامی خشمهایی است که مساطب عقیده مند خوزستان را چنین نلغمه مرگ میسازد . ساختن سبل گیر در مسیر رودخانه ها . تا مین سکونت - گاههای مقاومت و مستحکم برای اهالی شهرومنا و ندادن رک فوری وسایل ضروری چون پمپ آب به هنگام وقوع سبل و . . . می تواند زشت خرابی و ویرانی در موقع وقوع این بلایای طبیعی بکاهد .



**زنان در مبارزه را عنوانند از**

**شاهنگ تهران** خابان انقلاب خابان فرودن کوجه سباق

**عیسا تهران** خابان انقلاب خابان فرودن

بیمکند